

زنانی که روی دیوارهای تهران نیستند

نخ‌هایی که هنر خلق می‌کنند

سوزن دوزی میان سنت و نوآوری ادامه دارد

شهری که برای خودرو جاندار

سنگاپور چطور توانست ترافیک را مدیریت کند؟

«محمدجهانشاهی» به عضویت شورای جهانی گردشگری پایدار درآمد

آבלاغ؛ روایتی از یک حادثه و پرسش‌هایی که هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند

ایشهرزاد پورمحمد ناورودی |
اکنشگر محیط‌زیست |



یک پژوهش، داده‌های ۱۶ ساله سرشماری جبیر در ۲۷ منطقه حفاظت شده ایران و عوامل مرتبط با تغییرات جمعیت این گونه را بررسی کرده است

آب، مدیریت و سرنوشت جبیرهای ایران

۴

علی رشیدی فروری



کشاورزان اصفهان با آثار تغییر اقلیم و صنعتی شدن بر زندگی و معیشت خود چه می‌کنند؟

کشت بیشتر، برای بقا

«پیام ما» وضعیت تولید پسماند غذایی و مدیریت آن را در شهرها بررسی می‌کند

غذا، گرفتار پسماند شهری

معاون پردازش و دفع «سازمان مدیریت پسماند»: بر اساس گزارش‌های بانک جهانی، میزان تولید پسماند در جهان حدود ۱۰ تا ۶۵۰ گرم به‌ازای هر نفر در روز است و این میزان در ایران حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ گرم برآورد می‌شود. این رقم در تهران به حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ گرم در روز می‌رسد

گوشه دنیا |

«مراوک‌یو» پایتختی پشت دیوارهای طبیعت

مریم لاوی |
اراهنمای گردشگری |

یادداشت |

میان آنچه به ما داده شده و آنچه می‌توانیم از آن بسازیم

جهانی که انتخاب‌مان نبوده است

احمد گنجعلی خان حاکمی |
پژوهشگر فلسفه |

یادداشت |

از مدیریت بحران تا حکمرانی پیشگیرانه

تأملی بر چالش‌های هماهنگی نهادی در مدیریت مسائل سرزمینی ایران

مشکل دیگر، غلبه «رویکرد واکنشی» بر «رویکرد پیشگیرانه» است. الگوآشناس: مسئله کوچک، بی‌توجهی یا تعویق، تشدید مسئله، بحران، رسانه‌ای‌شدن، جلسه اضطراری، تصمیم فوری، اقدام موقت و فراموشی مسئله تا بحران بعدی...

این الگو فقط به پسماند محدود نیست. موضوعاتی مانند تنش آبی، فرونشست زمین، آلودگی هوا، تخریب بافت‌های تاریخی و... نیز می‌توان پرسید چه میزان از هزینه‌های امروز، نتیجه تأخیر در تصمیم‌گیری‌های گذشته است.

در مورد انباران، ادامه مسئله‌ای با سابقه حدود ۲۵ سال، خود پرسش مهمی درباره کارآمدی سازوکارهای پیشگیری و برنامه‌ریزی ایجاد می‌کند. گزارش مذکور نشان می‌دهد که در کنار اخطارها و پیگیری‌های قضایی، همچنان موضوعاتی مانند تأمین بودجه، همکاری شوراها و دهیاری‌ها و ایجاد سازوکار مناسب برای تفکیک پسماند از مبدأ به‌عنوان «مانع» مطرح‌اند.

این یعنی واکنش به یک پیامد، لزوماً به معنای حل علت نیست. وقتی راه‌حل کوتاه‌مدت فقط مسئله را جابه‌جا می‌کند، یکی از پیامدهای مدیریت واکنشی، جابه‌جایی مسئله به‌جای حل آن است.

در همان گزارش انباران، به سابقه انتقال پسماند به محل دفن «عمارت آمل» و محدودیت‌های ایجادشده درباره انتقال زباله به آن اشاره شده است. در ادامه، بخشی از مسئله در نقطه دیگری ظاهر شده و پسماند به حاشیه آب‌بندان انباران رسیده است. این روایت دست‌کم یک نکته مهم را نشان می‌دهد: وقتی مسئله مدیریت پسماند در مقیاس منطقه‌ای حل نشود، محدودکردن یک محل دفع می‌تواند فشار را به نقاط دیگر منتقل کند.

اینجاست که تفاوت میان «مدیریت یک نقطه» و «مدیریت یک سیستم» آشکار می‌شود. اگر محل دفعی بسته شود، اما تولید پسماند، تفکیک از مبدأ، پردازش، حمل‌ونقل و دفع نهایی همچنان با همان الگو ادامه پیدا کند، مسئله از بین نرفته است؛ فقط مکان بروز آن تغییر کرده است. درست است که راه‌حل‌های اضطراری گاهی ضروری‌اند، اما نباید جایگزین سیاست‌گذاری بلندمدت شوند.

❗ مسئله ایران کمبود برنامه نیست

ممکن است در اینجا پاسخ ساده‌ای ارائه شود: «پس باید برنامه بلندمدت داشته باشیم». این پاسخ درست است، اما کافی نیست. ایران کمبود سند و برنامه ندارد. چالش مهم‌تر، فاصله میان برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی است. ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

زیرساخت‌های دفع، رفتار خانوارها، کیفیت محیط‌زیست و... ارتباط دارد. به همین دلیل، مدیریت آن نیز به همکاری «مجموعه‌ای از نهادها در سطوح مختلف» نیاز دارد.

گزارش انباران نیز این چندلایگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. از یک سو، محیط‌زیست درباره پیامدهای دیپوی پسماند هشدار می‌دهد؛ از سوی دیگر، دهیاری‌ها با هزینه حمل و نبود محل مناسب برای انتقال پسماند مواجه‌اند. تعیین حریم عرضه نیز به بررسی آب منطقه‌ای نیاز دارد و در نهایت، موضوع به دستگاه قضایی کشیده شده است. گزارش مذکور تأکید می‌کند که مشکل در سطحی گسترده‌تر، کل شهرستان و استان را درگیر کرده است.

بنابراین، مسئله اصلی لزوماً نبود وظیفه قانونی برای دستگاه‌ها نیست. مسئله را باید در «نحوه ارتباط این وظایف با یکدیگر و مسئولیت‌پذیری نسبت به نتیجه نهایی» جست‌وجو کرد.

ممکن است هر دستگاه بخشی از وظیفه خود را انجام دهد، اما مسئله همچنان حل نشود. در این شرایط، تفاوت مهمی میان «انجام وظیفه سازمانی» و «حل مسئله عمومی» آشکار می‌شود.

❗ از بخشی‌نگری تا گسست نهادی

تقسیم کار میان دستگاه‌های تخصصی، به‌خودی‌خود مسئله‌ای منفی نیست. نظام اداری پیچیده بدون تخصص و تقسیم وظایف امکان فعالیت ندارد. مسئله زمانی آغاز می‌شود که تقسیم وظایف به «بخشی‌نگری» و «گسست نهادی» منجر شود؛ به این معنا که هر دستگاه مسئله را عمدتاً از منظر مأموریت سازمانی خود ببیند و ارتباط آن را با سایر ابعاد مسئله کمتر مورد توجه قرار دهد.

این چالش در ادبیات برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز شناخته‌شده است. اساساً یکی از موضوعات اصلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، درک مسائل در مقیاس فضایی و توجه به روابط متقابل میان شهرها، روستاها، فعالیت‌های اقتصادی، زیرساخت‌ها و منابع طبیعی است.

از این منظر، فضا را نمی‌توان به همان شکلی مدیریت کرد که ساختار اداری تقسیم شده است. آب‌بندان انباران نمی‌داند کدام بخش از مسئله در شرح وظایف محیط‌زیست قرار دارد و کدام بخش در حیطه مسئولیت دهیاری یا آب منطقه‌ای است. آلودگی آب، هزینه حمل پسماند، کشاورزی، زیست پرندگان و معیشت ساکنان در واقعیت به یکدیگر متصل‌اند؛ حتی اگر در ساختار اداری کشور در واحدهای متفاوت قرار گرفته باشند. بنابراین، مسئله واقعی یکپارچه است، اما پاسخ نهادی ممکن است پراکنده باشد. چرا معمولاً پس از بحران وارد عمل می‌شویم؟



احمد مودنی |
اکارشناس برنامه‌ریزی منطقه‌ای |

گاهی برای فهم یک مسئله بزرگ، لازم نیست به سراغ آمارهای کلان و گزارش‌های پیچیده رفت. گاهی توجه به نقطه‌ای کوچک از سرزمین می‌تواند تصویری روشن از نحوه مواجهه ما با مسائل توسعه ارائه دهد.

ماجرای آب‌بندان انباران در شهرستان فریدونکنار یکی از همین نمونه‌هاست. براساس گزارشی که چندی پیش در روزنامه «پیام ما» منتشر شد، این محدوده بیش از دو دهه محل دیپوی پسماند سه روستای اطراف بوده است. به گفته رئیس اداره محیط‌زیست فریدونکنار، سابقه این دیپو به حدود ۲۵ سال می‌رسد. روزانه حدود یک تن پسماند نیز وارد این محدوده می‌شود؛ محدوده‌ای که بخشی از مجموعه تالابی فریدونکنار، انباران و سرخورد است و برای کشاورزی و زیست پرندگان مهاجر اهمیت دارد.

در طول این سال‌ها، اخطارهای محیط‌زیستی صادر شده، شکایت قضایی مطرح شده و راهکارهایی مانند تفکیک پسماند از مبدأ و استفاده از زباله‌سوزهای کوچک‌مقیاس نیز پیشنهاد شده است. با این حال، مسئله همچنان پابرجاست. حتی برای معرفی محل جدید دیپوی پسماند نیز موضوع رعایت حریم‌های قانونی و بررسی آن از سوی آب منطقه‌ای مطرح شده است.

در نگاه نخست، این ماجرا را می‌توان مشکلی محلی در مدیریت پسماند دانست. اما اگر کمی از محدوده آب‌بندان فاصله بگیریم، پرسش مهم‌تری شکل می‌گیرد:

چرا برخی مسائل سرزمینی در ایران، پیش از آنکه به بحران تبدیل شوند، حل نمی‌شوند؟

و مهم‌تر از آن، چرا با وجود تعدد دستگاه‌های مسئول، برنامه‌ها و قوانین، در بسیاری از موارد فاصله قابل‌توجهی میان «داشتن مسئولیت» و «حل مسئله» وجود دارد؟

❗ مسئله‌ای فراتر از یک دستگاه

مسائل سرزمینی معمولاً در چارچوب وظایف یک دستگاه واحد باقی نمی‌مانند. پسماند فقط مسئله‌ای محیط‌زیستی نیست؛ همان‌طور که بحران آب را نمی‌توان صرفاً مسئله وزارت نیرو و مهاجرت روستایی را صرفاً مسئله وزارت کشور دانست. پسماند با الگوی سکونت، اقتصاد محلی، هزینه‌های حمل‌ونقل، ظرفیت مدیریت شهری و روستایی،

این نیمکت، نباید خالی به‌ونه!

تو می‌تونی به دانش‌آموز رو به مدرسه برگردونی...

با حمایت از درمان کودکان محک بخشی از فردای روشن کودکانمان باشید.



من هم حمایت می‌کنم
۱۷۳ *



محک
مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

«سنگاپور» چطور توانست ترافیک را مدیریت کند؟

شهری که برای خودرو جا ندارد



ا.ا.ف

اپایم ما وقتی یک سال پیش متوسط قیمت خودروی نو در آمریکا برای نخستین بار از مرز ۵۰ هزار دلار عبور کرد، موجی از گزارش‌ها درباره افزایش هزینه مالکیت خودرو منتشر شد. به نظر می‌رسید دورانی که می‌شد به‌راحتی خودرویی ۲۰ هزار دلاری پیدا کرد، گذشته است. با اضافه‌شدن هزینه بیمه و تأمین مالی، یک آمریکایی به‌طور متوسط سالانه حدود ۱۲ هزار دلار برای استفاده از خودرو و ماندن در جاده هزینه می‌کرد. با این همه، آمریکا در مقایسه با سنگاپور هنوز جای ارزانی برای رانندگان است.

به گزارش بخش «سیتی‌لب» «بلومبرگ»، از دهه ۱۹۹۰ میلادی، ساکنان سنگاپور برای داشتن خودرو باید در مزایده‌ای شرکت کنند و گواهی محدودی به دست آورند که به آن‌ها اجازه می‌دهد به‌مدت ۱۰ سال صاحب خودرو باشند. تا سپتامبر ۲۰۲۶، متقاضیان باید بیش از ۱۳۰ هزار دلار سنگاپور، معادل بیش از ۱۰۲ هزار دلار آمریکا، فقط برای به‌دست‌آوردن حق خرید و استفاده از خودرو برای یک دهه بپردازند. این تمام هزینه نیست. مالیات‌ها و عوارض سنگین خرید خودرو باعث شده سنگاپور یکی از گران‌ترین نقاط جهان برای داشتن خودرو باشد. برای نمونه، قیمت یک خودرو میان‌رده «تسلا» می‌تواند از ۲۴۰ هزار دلار سنگاپور فراتر برود؛ بیش از سه برابر قیمت همین خودرو در آمریکا.

گرانی شدید خودرو تنها یکی از ابزارهای سنگاپور برای کنترل تعداد خودروها در شبکه محدود خیابان‌های این کشور است. سنگاپور همچنین نخستین کشور جهان بود که قیمت‌گذاری تراکم را اجرا کرد؛ سیاستی که بعدها به شهرهایی مانند لندن، میلان و نیویورک رسید. سیستم سهمیه‌بندی مالکیت خودرو اما همچنان ویژگی خاص سنگاپور است؛ سیاستی که ممکن است تنبیهی به نظر برسد و بسیاری از سنگاپوری‌ها نیز طرفدار آن نیستند. مخالفان آن را مغایر با حقوق مالکیت شخصی می‌دانند و معتقدند که حقوق عمومی را زیر پا می‌گذارد، اما سیاست‌گذاران این کشور با این تصمیم منطق شهری مشخصی را دنبال می‌کنند. حدود شش میلیون نفر در مساحتی نزدیک به ۷۸۷ مایل مربع در سنگاپور زندگی می‌کنند و این کشور یکی از متراکم‌ترین کشورهای جهان است. از سال ۱۹۷۱، زمانی که سنگاپور «طرح مفهومی» خود را تصویب کرد، رهبران این کشور به این نتیجه رسیده بودند که مالکیت نامحدود خودرو در سرزمینی با چنین محدودیت فضایی می‌تواند به مشکلی جدی تبدیل شود. پل بارتر، پژوهشگر حوزه

ا خبر |

ورود اتوبوس‌های جدید تهران از بندرعباس

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران اعلام کرد با ورود اتوبوس‌های جدید به گمرک بندرعباس و تحویل ۹ اتوبوس داخلی، شمار اتوبوس‌های نوسازی‌شده طی پنج سال اخیر به ۲۵۰۰ دستگاه رسیده است.

به گزارش «پیام ما»، محسن هرمزی دراین‌باره گفت: «مهرماه مهم‌ترین فرصت برای توسعه کمی و کیفی وسایل نقلیه عمومی است و مدیریت شهری برای پاسخ‌گویی به افزایش تردهای درون‌شهری، اتوبوس‌های جدید را وارد خطوط پرتیرد تهران می‌کند. این روند نشان می‌دهد حتی شرایط محاصره جنگی نیز نتوانسته است حرکت توسعه امکانات حمل‌ونقلی شهر را متوقف کند.»

آن‌گونه که معاون شهردار تهران اعلام کرده است، اکنون ۳۱ دستگاه اتوبوس دیزلی ۸متری به بندرعباس رسیده‌اند و در حال تخلیه هستند.

او ادامه داد: «قرار است این اتوبوس‌ها طرف یک هفته ترخیص و راهی تهران شوند. به‌این‌ترتیب، هم‌زمان با فرارسیدن مهرماه و بازگشایی مدارس، این وسایل نقلیه به‌زودی در تهران رونمایی می‌شوند و به خطوط اتوبوس‌رانی می‌پیوندند. همچنین ۹ دستگاه اتوبوس عقاب‌افشان وارد خطوط می‌شوند تا شمار اتوبوس‌های افزوده‌شده به ناوگان در دوره ششم مدیریت شهری به ۲۵۰۰ دستگاه برسد.»

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران با اشاره به روند افزایش اتوبوس‌های شهری گفت: «مدیریت شهری طی پنج سال اخیر نشان داده است که برای افزایش ظرفیت حمل‌ونقل تهران

می‌کردند زمان افزایش بعدی هزینه‌ها را پیش‌بینی کنند و پیش از آن خودرو بخرند.

حق داشتن خودرو با یک مزایده

سنگاپور در سال ۱۹۹۰ راه دیگری را امتحان کرد و «سیستم سهمیه‌بندی وسایل نقلیه» یا VQS را به وجود آورد. براساس این سیستم، متقاضیان خرید خودرو باید در مزایده‌ای برای دریافت «گواهی استحقاق» یا COE شرکت کنند. این گواهی به فرد اجازه می‌دهد به‌مدت ۱۰ سال صاحب خودرو باشد. دولت مشخص می‌کند چه تعداد گواهی وارد بازار شود و مزایده‌ها هر دو هفته یک‌بار برگزار می‌شوند.

این روش چند مزیت داشت. دولت می‌توانست تعداد کل خودروهای کشور را کنترل کند و فروشنندگان با نوسان کمتری مواجه می‌شدند. همچنین، به‌جای اینکه دولت مستقیماً قیمت حق مالکیت خودرو را تعیین کند، عرضه و تقاضا قیمت گواهی را مشخص می‌کرد.

پس از اجرای این سیستم، قیمت COE به‌سرعت به ارقام پنج‌رقمی رسید. رشد سالانه مالکیت خودرو نیز که در اواخر دهه ۱۹۸۰ بیش از ۷ درصد بود، پس از اجرای VQS با ۳ درصد کاهش پیدا کرد. «لی هسین لونگ»، نخست‌وزیر سابق سنگاپور، معتقد است این سیستم کمک کرده ترافیک کشور روان بماند و از قفل ترافیکی مشابه آنچه بسیاری از کلان‌شهرهای جهان تجربه می‌کنند، جلوگیری شود. البته قیمت‌گذاری تراکم نیز بخشی از این سیاست است و صاحبان خودرو را تشویق می‌کند متناسب با اثری که بر ترافیک می‌گذارند، هزینه بپردازند.

کشوری ثروتمند که بیشتر مردمش خودرو ندارند

سنگاپور اکنون ثروتمندترین کشور آسیا معرفی شده و درآمد سرانه آن به حدود ۱۰ هزار دلار رسیده است. با وجود این، بیشتر خانوارهای سنگاپوری خودرو ندارند.

در این کشور به‌ازای هر ۹ نفر تنها یک خودرو وجود دارد؛ در آمریکا تقریباً به‌ازای هر ۱.۲ نفر یک خودرو وجود دارد. گرانی گواهی COE حتی ترکیب بازار خودرو را نیز تغییر داده است. وقتی فردی باید مبلغ هنگفتی فقط برای حق داشتن خودرو بپردازد، خرید یک خودروی ارزان‌قیمت جذابیت کمتری پیدا می‌کند. به همین دلیل، پارکینگ‌های سنگاپور ملو از خودروهای گران‌قیمت «بام‌و» و «مرسدس‌بنز» است و خودروهای قدیمی و کم‌ارزش کمتر دیده می‌شوند.

از سوی دیگر، خودرویی که با چنین هزینه بالایی خریداری شده، زیاد هم استفاده می‌شود. خودروی متوسط در سنگاپور سالانه بیش از ۱۲ هزار مایل، حدود ۱۹ هزار کیلومتر، حرکت می‌کند؛ رقمی که تنها کمی کمتر از آمریکا است و برای کشوری کوچک، متراکم و دارای حمل‌ونقل عمومی پیشرفته، قابل توجه است. بارتر توضیح می‌دهد خانواده‌ای که با وجود هزینه سنگین خودرو می‌خرد، انگیزه بیشتری برای استفاده از آن دارد، چون مبلغ زیادی بابت آن پرداخته است. خانواده‌هایی که چند راننده یک خودرو را به اشتراک می‌گذارند نیز می‌توانند پیمایش آن را افزایش دهند.



ا پژوهش |

زنانی که روی دیوارهای تهران نیستند

به‌عنوان حافظ فرهنگ و سنت؛ مادر مقاومت؛ و در نهایت، زن به‌عنوان کنشگر اجتماعی و سیاسی، از میان شش تصویر نقش‌های خانوادگی و مراقبتی دست بالا را دارند و زنان کنشگر اجتماعی و سیاسی کمترین حضور را دارند.

در بخشی از دیوارنگارها، زن اساساً در نسبت با یک مرد معنا پیدا می‌کند؛ مادر شهید است، همسر مشاهید است یا رزمنده‌ای را بدرقه می‌کند. در دسته دیگری از تصاویر، زن یک قدم از فضای خانه بیرون آمده، اما همچنان «مراقبت» مهم‌ترین ویژگی اوست؛ این بار در لباس پزشک، پرستار یا کادر درمان دیده می‌شود. جای بعضی زنان اما تقریباً خالی است. زن دانشجو، پژوهشگر، مدیر ورزشکار و هنرمند معاصر کمتر به دیوارهای شهر راه پیدا کرده‌اند. دختران نوجوان و جوان نیز حضور بسیار محدودی دارند؛ گروهی که به‌گفته پژوهش، در سن هویت‌یابی قرار دارند، اما سهم چندانی از تصاویر شهر ندارند. البته استثناهایی هم روی دیوارهای تهران پیدا می‌شود. «پروین اعتماسی» یکی از آتهاست؛ زنی که نه به‌واسطه نسبت خانوادگی با یک مرد، بلکه با هویت ادبی و فکری خودش معرفی شده است. «بی‌بی مریم بختیاری» هم یکی دیگر از نمونه‌های معدود بانمایی زنان مستقل است. پژوهش این نمونه‌ها را محدود و نادر توصیف می‌کند.

این تصویر در حالی روی دیوارهای تهران شکل گرفته که قوانین و اسناد خود مدیریت شهری، روایت دیگری دارند. در اسناد بالادستی شهرداری از تکريم جایگاه زنان، عدالت جنسیتی در طراحی فضای شهری و پرهیز از تبعیض گفته شده است. این پژوهش می‌گوید برای تغییر این سبک تصاویر، لازم است فرایند داوری و طراحی دیوارنگارها بازنگری و برنامه‌های توسعه شهری اصلاح شود. هماهنگی بین‌نهادهی، آموزش و ظرفیت‌سازی و نظارت نیز از دیگر پیشنهاد‌های سیاستی این بررسی است.

سیاستی مؤثر اما، نامحسوب

سیستم سهمیه‌بندی خودرو هرگز سیاست محبوبي نبوده است. دولت نیز بارها تلاش کرده راهی برای افزایش امکان مالکیت خودرو بدون افزایش ترافیک پیدا کند. در دهه ۱۹۹۰، مجوزی برای «خودروهای آخر هفته» ایجاد شد. این خودروها فقط در خارج از ساعات کاری اجازه تردد داشتند و خریداران آن‌ها تخفیف قابل‌توجهی دریافت می‌کردند. اما این برنامه به نتیجه مورد انتظار نرسید؛ خانواده‌های ثروتمندی که چند خودرو داشتند، از آن برای کاهش هزینه خودروی دوم استفاده کردند. این طرح همچنان وجود دارد، اما دامنه آن بسیار محدودتر شده است. در اوایل دهه ۲۰۰۰ نیز دولت تعداد COE‌های عرضه‌شده را افزایش داد و قیمت آن‌ها کاهش پیدا کرد. نتیجه اما افزایش دوباره تراکم ترافیکی بود. با تشدید ترافیک، عوارض مبتنی بر تراکم نیز افزایش پیدا کرد و همین موضوع نارضایتی بیشتری ایجاد کرد.

اکنون سیاست سنگاپور به‌جای گسترش مالکیت خودرو، بر ایجاد یک «جامعه کم‌خودرو» متمرکز شده است. دولت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در مسیرهای دوچرخه‌سواری و پیاده‌راه‌های مسقف منتهی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی انجام داده است. در سال ۲۰۲۵، تنها ۳۲ درصد خانوارهای ساکن سنگاپور خودرو داشتند؛ این رقم در سال ۲۰۱۳ حدود ۴۰ درصد بود.

از طرف دیگر، محدودبودن تعداد گواهی‌ها باعث شده قیمت COE در سال‌های اخیر حتی به ۱۵۸ هزار دلار سنگاپور برسد. فروش این مجوزها درآمد هنگفتی هم برای دولت ایجاد کرده است. در سال منتهی به مارس، درآمد حاصل از آن‌ها به ۸.۶۶ میلیارد دلار سنگاپور رسید؛ رقمی بیشتر از کل بودجه سالانه شهر بوستون. این موضوع باعث شده برخی منتقدان این تصمیم را بیش از آنکه به نفع شهروندان بداندند، مانعی برای حقوق فردی تلقی کنند.

سهمیه‌بندی خودرو در خارج از سنگاپور چندان رایج نیست. یکی از مهم‌ترین استثناها چین است. شانگهای در سال ۱۹۹۴ نخستین شهر چین شد که برای مدیریت تراکم ترافیکی سهمیه خودرو تعیین کرد و پس از آن، شهرهایی مانند پکن، گوانگژو و تیانجین نیز به‌سمت سیاست‌های مشابه رفتند. ژاپن سیستم مشابهی ندارد، اما صاحبان خودرو در مناطق شهری باید ثابت کنند فضایی خارج از خیابان برای پارک خودرو دارند؛ قانونی که عملاً می‌تواند تعداد خودروها را محدود کند. والتر تسیرا، استاد «دانشگاه علوم اجتماعی سنگاپور»، معتقد است سیستم سهمیه‌بندی با وجود همه نارضایتی‌ها، یکی از ابزارهای اساسی سنگاپور برای جلوگیری از قفل ترافیکی بوده است. او تناقض موجود در خواسته شهروندان را این‌طور توضیح می‌دهد: مردم نمی‌خواهند سنگاپور گرفتار ترافیکی مانند جاکارتا شود، اما در عین حال خودروهای بسیار گران هم نمی‌خواهند.

او می‌گوید: «آنها نوعی سیستم جادویی می‌خواهند، اما چنین چیزی وجود ندارد. بنابراین، این همان سیستمی است که داریم.»



سهمیه‌بندی خودرو

در خارج از سنگاپور

چندان رایج نیست

شانگهای در سال ۱۹۹۴

نخستین شهر چین شد

که برای مدیریت تراکم

ترافیکی سهمیه خودرو

تعیین کرد

ژاپن هم با الزام صاحبان

خودرو به ارائه مدرک

پارکینگ، عملاً تعداد

خودروها را محدود می‌کند

ا خبر |

ممنوعیت‌های تازه برای خودروها در مهرماه

اپایم مامدیرکل حمل‌ونقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران، اقدامات معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران را در آستانه شروع سال تحصیلی تشریح کرد و گفت: استفاده از سهمیه ۲۰روزه تردد رایگان در محدوده کاهش آلودگی هوا از ۸ تا مهرمنوع است.

حمیدرضا زنجبر درباره اقدامات ستاد استقبال از مهر در آستانه شروع سال تحصیلی جدید به ایسنا گفت: «در این ستاد هرساله پنج کارگروه تشکیل می‌شود و برنامه‌های استقبال از مهر از طریق این کارگروه‌ها، شامل اطلاع‌رسانی و آموزش فرهنگ ترافیک، روان‌سازی و مدیریت تردد وسایل نقلیه، ارتقای ایمنی محدوده اماکن آموزشی، ارتقای عملکرد حمل‌ونقل همگانی و سرویس مدارس، برنامه‌ریزی و اجرایی‌شود.»

او ادامه داد: «ذیل هر یک از این کارگروه‌ها، برنامه‌ها و شرح وظایفی برای استقبال از مهرماه پیش‌بینی شده است. در کارگروه اطلاع‌رسانی، بخشی از تمرکز ما برروز جهانی بدون خودروست. به همین منظور از ۳۰ شهریور تا ۷ مهر برنامه‌ریزی کردیم تا مناطق با همکاری پلیس راهور محوری را برای برگزاری این رویداد انتخاب کنند.» زنجبر با بیان اینکه مناطق ۲۲گانه محوهرای برگزاری رویداد روز جهانی بدون خودرو را مشخص کرده‌اند و شیوه‌نامه اجرایی آن‌ها نیز ابلاغ شده است، گفت: «بعد از ۷ مهر گزارش جمعی مناطق را منتشر خواهیم کرد. همچنین برنامه‌هایی برای ترویج فرهنگ استفاده از حمل‌ونقل همگانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های شهر برای توزیع و تکثیر پیام‌های آموزشی در سطح شهر داریم. مترو، بلیتوردهای نصب‌شده در معابر شهری، اتوبوس‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل ظرفیت‌هایی ایجاد می‌کنند تا بتوانیم پیام‌های خود را درباره حمل‌ونقل به مردم برسانیم.»
مدیرکل حمل‌ونقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران تأکید کرد: «امسال در کارگروه اطلاع‌رسانی از آموزش و پرورش خواستیم با همکاری تشریاری تهران، تیزرهای آموزشی سازمان حمل‌ونقل درباره فرهنگ ترافیک را در قالب نورافزار شاد به والدین و فرزندان ارائه کند. در کارگروه روان‌سازی و مدیریت تردد که با حضور نمایندگان شهری و کشوری برگزار شد، درباره تمهیداتی که باید برای ناوگانه با کمترین میزان ترافیک در آستانه مهر پیش‌بینی کنیم، گفت‌وگو شد.»

ممنوعیت تردد ناوگان پخش مواد غذایی و دارویی و حمل اسباب منزل از ساعت ۵ تا ۱۰ صبح
او با تأکید بر اینکه با شروع مهرماه، ترافیک معابر پایتخت در صبح و بعدازظهر حدود ۲۰ درصد افزایش می‌یابد، گفت: «برای مدیریت این افزایش ترافیک، برنامه‌هایی را به شورای ترافیک ارائه کردیم که با حضور شهردار تهران به تصویب رسید. براین اساس، تردد ناوگان پخش مواد غذایی و دارویی و حمل اسباب منزل از ابتدای مهرماه، از ساعت ۵ تا ۱۰ صبح ممنوع است.»

سهمیه ۲۰روزه تردد رایگان از ۸ تا مهر قابل استفاده نیست

زنجبر عنوان کرد: «یکی دیگر از مصوبات این بود که سهمیه ۲۰روزه تردد رایگان در محدوده کاهش آلودگی هوا از ۸ تا مهر قابل استفاده نخواهد بود؛ البته امکان استفاده از سهمیه در روزهای بعدی فصل پاییز حفظ می‌شود. همچنین در هفته اول مهر، هرگونه عملیات عمرانی در سطح شهر که باعث اشغال سطح سوارهو شود، لغو خواهد شد و پلیس نیز در این زمینه اعمال قانون می‌کند.»
مدیرکل حمل‌ونقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران با اشاره به ممنوعیت برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی در نیمه اول مهرماه گفت: «شواری ترافیک این طرح را تصویب کرد و برای اجرا باید شورای همتای استانداری آن را ابلاغ کند. موضوع شانورسازی ساعات ادارات نیز با دستور رئیس‌جمهور به ادارات ابلاغ شد و ساعت کاری ادارات از ساعت ۸ صبح تا ۱۳ اعلام شد.»
او گفت: «در کارگروه ارتقای ایمنی محدوده اماکن آموزشی، مطالعات خوبی انجام شده و مصوباتی نیز به مناطق ابلاغ شده است. عمده نواقص احصا و موانع برطرف شده‌اند و رفع موانع باقی‌مانده نیز در دستور کار مناطق است.
رغم نواقص نابلوها و علائم ترافیکی معابر خط‌کشی خیابان‌ها، نصب سرعت‌کاه‌ها و اصلاحات هندسی برای تردد ایمن دانش‌آموزان، و رفع نواقص چراغ‌های راهنمایی و رانندگی نیز در این کارگروه به شرکت کنترل ترافیک اعلام شده است. این شرکت برای رفع مشکلات عمومی و امور مناطق شهری کرده است. وضعیت نیز نسبتاً خوب است و تقریباً نواقص برطرف شده‌اند.»

زنجبر با اشاره به بازسازی و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی ادامه داد: «در کارگروه ارتقای عملکرد حمل‌ونقل همگانی، مواردی بررسی شد و مترو و اتوبوسرانی برنامه‌های عملیاتی خود، مانند اورهال تجهیزات، رامطرح کردند تا در شروع مهرماه با حداکثر ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی در خدمت شهروندان باشیم. هرچه خدمات بهتری ارائه بدهیم، شهروندان تعالیل کمتری به استفاده از خودروی شخصی دارند. در مترو، موضوعاتی مانند رفع نواقص داخل واگن‌ها و سیستم تهویه، اورهال و بازبینی آسانسورها و پله‌های برقی ایستگاه‌ها و نظافت داخل و بیرون واگن‌ها بررسی شده است.»
مدیرکل حمل‌ونقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران با اشاره به برنامه‌های شرکت واحد اتوبوسرانی برای مهرماه عنوان کرد: «شرکت اتوبوسرانی نیز ناوگان فعال موجود را اورهال کرده است. همچنین روشانی، نظافت، تأسیسات و تجهیزات پایانه‌ها بررسی شده تا با ظرفیت کامل در خدمت شهروندان باشیم.»



عل رشیدی فر

یک پژوهش، داده‌های ۱۶ ساله سرشماری «جبیر» در ۲۷ منطقه حفاظت‌شده ایران و عوامل مرتبط با تغییرات جمعیت این گونه را بررسی کرده است

آب، مدیریت و سرنوشت «جبیرهای» ایران

برای فهم سرنوشت جبیر در ایران، نگاه‌کردن به تعداد «جبیرهای» داخل یک منطقه حفاظت‌شده کافی نیست. آب، مدیریت، فعالیت‌های انسانی و شرایط زیستگاه در اطراف منطقه نیز بخشی از همان معادله‌اند

ا پیام ما | «جبیر» یکی از علف‌خواران شاخص دشت‌ها و استپ‌های ایران است. این گونه، علاوه بر جایگاهش در زنجیره غذایی، بخشی از غذای «یوز آسیایی» را نیز تأمین می‌کند. با این حال، جمعیت جبیر در نقاط مختلف ایران روند یکسانی ندارد. در حالی که شمار جبیرها در برخی مناطق حفاظت‌شده طی سال‌های گذشته کاهش یافته، جمعیت این گونه در برخی مناطق دیگر افزایش پیدا کرده است. چه چیزی این تفاوت را توضیح می‌دهد؟ آیا بازنگی، دما و شرایط اقلیمی تعیین‌کننده اصلی‌اند یا نحوه مدیریت مناطق حفاظت‌شده و دسترسی به منابعی مانند آب نقش پررنگ‌تری دارند؟

پژوهش تازه‌ای که در پایان اوت ۲۰۲۶ در نشریه «اکولوژی و تکامل» (Ecology and Evolution) منتشر شده، برای نخستین‌بار به این پرسش در مقیاس ملی پاسخ داده است. «محمد سپهری» و «حسین وارسته‌مرادی»، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، «حمیدرضا رضایی»، عضو هیئت علمی بهترین پشتیبانی آماری را دریافت کرده، متغیرهای اقلیمی مانند بارش و دما به‌عنوان عوامل مستقل مؤثر بر رشد جمعیت جبیر ظاهر نشدند. در مقابل، دو عامل با رشد جمعیت ارتباط داشتند: یکی مجموعه‌ای از ویژگی‌های مرتبط با سابقه و وضعیت حفاظت و دیگری وجود چاه‌ها و چشمه‌ها در مناطق پیرامونی مناطق حفاظت‌شده. این یافته به معنای بی‌اهمیت‌بودن اقلیم برای جبیر نیست. پژوهشگران تأکید می‌کنند داده‌های آنها فقط نشان می‌دهد که اثر مستقل متغیرهای اقلیمی در مقیاس مکانی و زمانی مورد بررسی قابل تشخیص نبوده است. به بیان دیگر، ممکن است اقلیم از مسیرهایی غیرمستقیم، از طریق پوشش گیاهی، آب و علوفه، یا در مقیاس‌های زمانی کوتاه‌تر بر جمعیت جبیر اثر بگذارد؛ اما میانگین‌های اقلیمی در یک دوره ۱۶ ساله نتوانسته‌اند تفاوت رشد جمعیت مناطق مورد مطالعه را توضیح دهند.

۱۶ سال سرشماری در ۲۷ منطقه جبیریکی از علف‌خواران بومی ایران است که در دشت‌ها و استپ‌های خشک و نیمه‌خشک کشور زندگی می‌کند. پرانکش تاریخی این گونه بسیار گسترده‌تر بوده و از دامنه‌های زاگرس در ایران تا بخش‌هایی از آسیای مرکزی، مغولستان، چین و پاکستان امتداد داشته است. این گونه در ایران برای حفاظت از یوز آسیایی نیز

روند بلندمدت جمعیت داشته باشد.

۳ جبیر؟ گونه‌ای که به‌سادگی شمرده نمی‌شود

جبیر برخلاف آهو گله‌های بزرگ تشکیل نمی‌دهد و بیشتر به‌صورت پراکنده در زیستگاه حرکت می‌کند. همین ویژگی، سرشماری آن را دشوارتر می‌کند. برای مثال، در پارک ملی کویر ممکن است تعداد زیادی جبیر به آبخورها مراجعه کنند، اما پس از آن در سطح وسیعی از زیستگاه پراکنده شوند و دیگر به شکل یک گله قابل مشاهده نباشند. بنابراین، شمار جبیرهای دیده‌شده در یک سرشماری می‌تواند به زمان، مکان و شرایط انجام شمارش وابسته باشد. این مسئله اهمیت تداوم و استانداردبودن روش‌های پایش را بیشتر می‌کند. پژوهش حاضر نیز با درنظرگرفتن همین محدودیت، شمارش‌های ثبت‌شده را به‌عنوان شاخصی از اندازه نسبی جمعیت در نظر گرفته است، نه برآوردی قطعی از تعداد واقعی جبیرها.

۳ چرا جمعیت جبیرها در مناطق مختلف یکسان تغییر نمی‌کند؟

پژوهشگران برای پاسخ به این پرسش، مجموعه بزرگی از متغیرها را بررسی کردند. بخشی از این متغیرها به اقلیم مربوط بود؛ از جمله میانگین دمای سالانه، حداکثر دمای ماه‌های گرم، حداقل دمای ماه‌های سرد، بارش سالانه، بارش بهاری و تعداد روزهای بارانی. آنها همچنین از شاخص NDVI استفاده کردند؛ شاخصی که از تصاویر ماهواره‌ای به دست می‌آید و می‌تواند تصویری از وضعیت و بهره‌وری پوشش گیاهی ارائه دهد.

گروه دوم متغیرها به حضور انسان مربوط بود و تعداد روستاها، زمین‌های کشاورزی، معادن، جاده‌های آسفالت‌ه و خاکی، مدت چرای دام، شهرها و تأسیسات صنعتی را دربر می‌گرفت.

اما پژوهشگران فقط آنچه را در داخل مناطق حفاظت‌شده اتفاق می‌افتد بررسی نکردند. آنها محدوده‌ای به شعاع ۱۵ کیلومتر پیرامون هر منطقه را نیز در نظر گرفتند و تعداد چاه‌ها، چشمه‌ها، روستاها، شهرها و واحدهای صنعتی را در آن سنجیدند. گروه سوم متغیرها به مدیریت مناطق حفاظت‌شده مربوط بود و مواردی مانند تعداد محیط‌بانان، خودروهای گشت، پاسگاه‌ها، منابع آب طبیعی و مصنوعی، سطح حفاظتی، سابقه حفاظت و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه را دربر می‌گرفت.

برای جلوگیری از پیچیده‌شدن تحلیل بر اثر تعدد متغیرها، پژوهشگران از روش آماری «تحلیل مؤلفه‌های اصلی» استفاده کردند. این روش، متغیرهای مرتبط را در چند محور اصلی خلاصه می‌کند. در بخش اقلیمی، سه مؤلفه اصلی توانستند ۸۹٫۸ درصد تفاوت میان مناطق را توضیح دهند. مهم‌ترین محور تفاوت دمایی بود. محور دوم بیشتر بارش و بهره‌وری پوشش گیاهی را نشان می‌داد و محور سوم روند تغییرات NDVI بهاری را دربر می‌گرفت. در بخش کاربری انسانی نیز چهار مؤلفه به دست آمد که ۷۱٫۸ درصد تفاوت‌ها را توضیح می‌دادند. یکی از این مؤلفه‌ها به‌طور مشخص چاه‌ها و چشمه‌های موجود در مناطق پیرامونی را نشان می‌داد.

در بخش حفاظت و مدیریت، سه مؤلفه ۷۷٫۱ درصد تفاوت‌ها را توضیح دادند. یکی از آنها بیشتر به تعداد نیروها، خودروهای گشت، پاسگاه‌ها و منابع آب مربوط بود و مؤلفه دیگری سابقه حفاظت، سطح حفاظتی و شکل منطقه را منعکس می‌کرد.

۳ رابطه معکوس سابقه حفاظت و رشد جمعیت

مهم‌ترین نتیجه آماری پژوهش، رابطه منفی میان یکی از مؤلفه‌های حفاظت و رشد جمعیت جبیر بود. این مؤلفه ترکیبی از سه ویژگی سابقه طولانی‌تر حفاظت، سطح حفاظتی بالاتر و برخی ویژگی‌های مدیریتی منطقه را شامل می‌شد. مناطقی که در این محور امتیاز بالاتری داشتند، در دوره مورد بررسی به‌طور متوسط نرخ رشد جمعیتی پایین‌تری نشان دادند.

اما این نتیجه را نمی‌توان به این معنا گرفت که «حفاظت بیشتر باعث کاهش جمعیت جبیر می‌شود». خود پژوهشگران نیز چنین برداشتی ندارند. یک توضیح احتمالی این است که در مناطقی که مدت طولانی‌تری تحت حفاظت بوده‌اند، جمعیت جبیر ممکن است ظرفیت برد محلی نزدیک شده باشد. در چنین شرایطی، زیستگاه در مقیاس محلی، ترکیب علوفه، رقابت با دام، شکار غیرقانونی ثبت‌نشده و تغییرات تصادفی جمعیت را از جمله عواملی می‌دانند که می‌توانند بخشی از این تغییرات توضیح‌داده‌نشده را رقم بزنند. این مسئله اهمیت دارد، زیرا جبیر گونه‌ای جدا از محیط نیست. تغییر جمعیت آن می‌تواند حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل باشد که بخشی از آنها در داده‌های رسمی سرشماری ثبت نمی‌شوند.

اما پژوهش حاضر این فرضیه را مستقیماً آزمایش نکرده است. پژوهشگران تراکم جمعیت را به‌عنوان متغیری مستقل وارد مدل نکرده‌اند و داده‌ای درباره نرخ زادآوری و مرگ‌ومیر نیز در اختیار نداشته‌اند. بنابراین، نزدیک‌شدن جمعیت به ظرفیت برد فقط یکی از

توضیح‌های محتمل برای رابطه مشاهده‌شده است.

۳ چاه و چشمه؛ عاملی مثبت برای جمعیت جبیر؟

دومین نتیجه مهم پژوهش به آب مربوط می‌شود. مؤلفه سوم کاربری انسانی زمین، که عمدتاً تعداد چاه‌ها و چشمه‌ها در محدوده ۱۵ کیلومتری اطراف مناطق حفاظت‌شده را نشان می‌داد، رابطه‌ای مثبت با رشد جمعیت جبیر داشت.

پژوهشگران احتمال می‌دهند منابع آب موجود در چشم‌انداز پیرامونی، دسترسی جبیرها به آب و علوفه را افزایش دهند. چاه‌ها و چشمه‌ها می‌توانند در مناطق خشک به نقاطی تبدیل شوند که در اطراف آنها پوشش گیاهی بیشتری شکل می‌گیرد یا دسترسی جانور به منابع غذایی آسان‌تر می‌شود. از این منظر، مرز یک منطقه حفاظت‌شده الزاماً مرز فرایندهای بوم‌شناختی نیست. جبیرها برای تأمین آب و غذا در محدوده‌های گسترده حرکت می‌کنند و شرایط بیرون از محدوده رسمی منطقه حفاظت‌شده نیز می‌تواند بر جمعیت داخل آن اثر بگذارد. این یافته اهمیت نگاه‌کردن به مناطق حفاظت‌شده به‌عنوان بخشی از گستره‌ای بزرگ‌تر را نشان می‌دهد.

اما وجود آب در خارج از مناطق حفاظت‌شده الزاماً خبر خوبی برای حیات‌وحش نیست. چاه‌ها و منابع آب ممکن است هم‌زمان انسان، دام و حیات‌وحش را به یک نقطه جذب کنند. در نتیجه، احتمال شکار غیرقانونی، مزاحمت، انتقال بیماری، رقابت با دام و برخورد با خودروها نیز ممکن است افزایش یابد.

به همین دلیل، پژوهشگران درباره خطر تبدیل چنین مناطقی به «تله بوم‌شناختی» هشدار می‌دهند؛ شرایطی که در آن یک محیط در کوتاه‌مدت منابع بیشتری در اختیار جانور قرار می‌دهد، اما خطرهای پنهان آن در نهایت می‌تواند مزایای این منابع را خنثی کند. از این رو، نتیجه پژوهش توصیه‌ای ساده برای افزایش تعداد چاه‌ها در زیستگاه جبیر نیست. برعکس، نویسندگان بر برنامه‌ریزی دقیق برای منابع آب طبیعی و مصنوعی و کاهش هم‌زمان تهدیدهای انسانی تأکید دارند.

۳ چرا بازنگی و دما در مدل نهایی نبودند؟

شاید مهم‌ترین نکته قابل توجه در پژوهش همین باشد. در مناطق خشک ایران انتظار می‌رود بارش و دما اثر قابل توجهی بر علف‌خواران داشته باشند؛ زیرا بازنگی بر پوشش گیاهی و در نتیجه بر مقدار و کیفیت علوفه اثر می‌گذارد.

اما در مدل نهایی پژوهش، هیچ‌یک از مؤلفه‌های اقلیمی رابطه معناداری با رشد جمعیت نشان ندادند. پژوهشگران چند دلیل احتمالی برای این نتیجه مطرح کردند. یکی اینکه دوره ۱۶ ساله مطالعه ممکن است دوره‌های اقلیمی آن‌قدر شدید و طولانی را دربرنگرفته باشد که فاکتور جمعیتی زیادی ایجاد کند. دلیل دیگر می‌تواند وجود منابع آب مصنوعی و مدیریت انسانی باشد که اثر نوسانات کوتاه‌مدت اقلیمی را تا حدی کاهش داده‌اند.

همچنین ممکن است میانگین‌های اقلیمی در سطح یک منطقه حفاظت‌شده نتوانند شرایطی را که یک جبیر در مقیاس محلی تجربه می‌کند نشان دهند. برای مثال، ممکن است میزان بازنگی در کل منطقه یکسان باشد، اما بخشی از آن بارش بیشتری دریافت کرده و پوشش گیاهی بهتری داشته باشد. یا بارشی شدید در یک سال، در مقایسه با بارشی با همان حجم که در چند نوبت رخ داده، اثر متفاوتی بر علوفه بگذارد.

از سوی دیگر، ممکن است اثر اقلیم با تأخیر ظاهر شود. برای مثال، بارش یک سال می‌تواند بر تولید علوفه و در نتیجه بر وضعیت جمعیت در سال بعد اثر بگذارد. بنابراین، پژوهشگران تأکید می‌کنند که نتیجه آنها نباید به معنای کنارگذاشتن اقلیم از معادله حفاظت از جایز باشد. آنچه مطالعه نشان داده، این است که در مقیاس و دوره زمانی مورد بررسی، اثر مستقل گرا‌دیان‌های کلی اقلیمی از اثر عوامل مدیریتی و چشم‌اندازی قابل تفکیک نبوده است.

۳ فقط ۴۶ درصد ماجرا توضیح داده شده است

مدل نهایی پژوهش حدود ۴۶ درصد تغییرات رشد جمعیت جبیر را توضیح داد. یعنی بیش از نیمی از تغییرات همچنان با عوامل واردشده به مدل توضیح داده نمی‌شود.

پژوهشگران پویایی جمعیت شکارچیان، بیماری، کیفیت زیستگاه در مقیاس محلی، ترکیب علوفه، رقابت با دام، شکار غیرقانونی ثبت‌نشده و تغییرات تصادفی جمعیت را از جمله عواملی می‌دانند که می‌توانند بخشی از این تغییرات توضیح‌داده‌نشده را رقم بزنند. این مسئله اهمیت دارد، زیرا جبیر گونه‌ای جدا از محیط نیست. تغییر جمعیت آن می‌تواند حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل باشد که بخشی از آنها در داده‌های رسمی سرشماری ثبت نمی‌شوند.

برای مثال، کاهش شکار غیرقانونی ممکن است در یک منطقه باعث افزایش جمعیت شود، در حالی که بازنگی هم‌زمان کاهش یافته باشد. یا جمعیت منطقه‌ای دیگر

به دلیل مدیریت مناسب افزایش پیدا کند، اما پس از چند سال، افزایش تراکم باعث کاهش سرعت رشد آن شود. به همین دلیل، پژوهشگران نتیجه می‌گیرند که مدیریت جمعیت جبیر را نمی‌توان صرفاً با تعیین یک سطح حفاظتی یا افزایش تعداد نیرو و پاسگاه‌ها توضیح داد.

۳ مدیریت جبیر باید فراتر از مرز مناطق حفاظت‌شده باشد

یکی از مهم‌ترین پیام‌های این پژوهش برای مدیریت حیات‌وحش ایران، توجه به آن سوی مرزهای مناطق حفاظت‌شده است. جبیرها در جزیره‌ای جدا از محیط اطراف خود زندگی نمی‌کنند. منابع آب، علوفه، مسیرهای حرکت، کشاورزی، دامداری، جاده‌ها و فعالیت‌های انسانی در اطراف مناطق حفاظت‌شده می‌توانند بر وضعیت جمعیت داخل آنها تأثیر بگذارند. یافته مربوط به چاه‌ها و چشمه‌ها نیز همین موضوع را نشان می‌دهد: بخشی از عواملی که با رشد جمعیت جبیر ارتباط دارند، خارج از مرز رسمی منطقه حفاظت‌شده قرار گرفته‌اند. به همین دلیل، نویسندگان بر مدیریت در مقیاس گستره‌ای وسیع‌تر تأکید دارند. در این رویکرد، فقط یک منطقه حفاظت‌شده مدیریت نمی‌شود، بلکه ارتباط آن با مناطق اطراف، مسیرهای جابه‌جایی جانوران، منابع آب و فعالیت‌های انسانی نیز در نظر گرفته می‌شود. حفظ ارتباط میان زیستگاه‌ها و امکان پرانکش طبیعی نیز از دیگر نکاتی است که پژوهشگران بران تأکید دارند. از نگاه آنها، در مناطقی که جمعیت جبیر احتمالاً به ظرفیت بوم‌شناختی نزدیک شده است، افزایش صرف زیرساخت‌های حفاظتی ممکن است دیگر به افزایش جمعیت منجر نشود. در چنین شرایطی، حفظ کیفیت زیستگاه، اتصال مناطق مناسب و امکان جابه‌جایی طبیعی می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند. برای نمونه، در پارک ملی «خبر» کرمان، جمعیت جبیر در گذشته وضعیت بسیار خوبی داشته، اما به گفته کارشناسان، در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته است؛ این در حالی است که حفاظت از منطقه شدیدتر شده است. این تجربه نشان می‌دهد افزایش حفاظت، اگر با شناخت دقیق نیازهای بوم‌شناختی گونه همراه نباشد، لزوماً به افزایش جمعیت منجر نمی‌شود.

۳ یک مطالعه ملی با محدودیت‌های جدی

این پژوهش برای نخستین‌بار داده‌های ۱۶ ساله ۲۷ منطقه حفاظت‌شده ایران را در یک مدل ملی کنار هم قرار داده است؛ اما نویسندگان نیز بر محدودیت‌های آن تأکید دارند. مهم‌ترین محدودیت این است که تحلیل بر داده‌های سرشماری موجود در مناطق حفاظت‌شده متکی است. از میان ۶۶ منطقه اولیه، تنها مناطقی وارد مطالعه شدند که داده‌های بلندمدت و نسبتاً کامل داشتند. بنابراین، ممکن است مناطق دارای پایش بهتر در نمونه نهایی بیش از حد نمایندگی شده باشند. همچنین، شمارش‌های میدانی با وجود استفاده از روش‌های استاندارد، تعداد واقعی جبیرها را به‌طور کامل نشان نمی‌دهند.

از سوی دیگر، پژوهش نمی‌تواند مشخص کند آیا افزایش منابع مدیریتی باعث کاهش یا افزایش رشد جمعیت شده است یا وضعیت جمعیت باعث تغییر میزان سرمایه‌گذاری مدیریتی شده است. همین مسئله درباره منابع آب نیز وجود دارد. رابطه آماری میان چاه‌ها و چشمه‌ها با رشد جمعیت، به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که وجود این منابع آب باعث افزایش جمعیت جبیر شده است. پاسخ‌دادن به چنین پرسش‌هایی به مطالعات میدانی دقیق‌تر، داده‌های سالانه اقلیمی و جمعیتی، اطلاعات مربوط به زادآوری و مرگ‌ومیر، حرکت جانوران و کیفیت علوفه نیاز دارد. با وجود این محدودیت‌ها، پژوهش یک پیام روشن دارد: برای فهم سرنوشت جبیر در ایران، نگاه‌کردن فقط به تعداد جبیرهای داخل یک منطقه حفاظت‌شده کافی نیست. آب، مدیریت، فعالیت‌های انسانی و شرایط زیستگاه در اطراف منطقه نیز بخشی از همان معادله‌اند. جبیر در زیست‌بوم خشک ایران به منابع محدودی وابسته است و نحوه توزیع همین منابع می‌تواند مسیر جمعیت را تغییر دهد. برای گونه‌ای که خود یکی از طعمه‌های مهم یوز آسیایی است، شناخت این رابطه فقط موضوعی مربوط به یک علف‌خوار نیست، بلکه بخشی از مسئله بزرگ‌تر حفاظت از زنجیره غذایی و زیست‌بوم‌های خشک ایران است. پژوهشگران در نهایت پیشنهاد می‌کنند مطالعات آینده تغییرات سالانه اقلیم، نرخ زادآوری و مرگ‌ومیر پیوستگی زیستگاه، کیفیت علوفه و دیگر عوامل بوم‌شناختی را وارد تحلیل کنند. در این صورت، بهتر می‌توان فهمید چرا جمعیت جبیر در یک منطقه افزایش می‌یابد و جمعیت آن در منطقه‌ای دیگر کاهش پیدا می‌کند؛ و مهم‌تر از آن، مشخص کرد چه عاملی واقعاً باعث این تغییر شده است، نه اینکه تنها هم‌زمان با آن رخ داده باشد.

منابع، شکل‌گیری فعالیت‌های غیرقانونی و در نهایت از دست‌رفتن جان انسان‌ها، استخراج غیروجاز و تخریب و اینجاست که پرسش اصلی دوباره برمی‌گردد: ثروت ملی بدون پاسبانی و مدیریت چه بلایی سرش می‌آید؟

ما فقط در آلبلاغ با این مسئله روبه‌رو نیستیم؛ هرچند



«آلبلاغ»؛ روایتی از یک حادثه و پرسش‌هایی که هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند

عملیات اکتشافی، پروژه در حال حاضر در مرحله راه‌سازی و آماده‌سازی برای مراحل بعدی قرار دارد. در چنین شرایطی، سؤال مهم این است که با وجود اینکه معدن هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده و در مرحله راه‌سازی و آماده‌سازی قرار دارد، چگونه افراد می‌توانند شبانه‌وارد محدوده‌های اکتشافی شوند؟ اینجاست که موضوع مسئولیت دستگاه‌ها و نحوه حفاظت از یک ذخیره معدنی ملی اهمیت پیدا می‌کند. آلبلاغ سال‌هاست با برداشت غیرمجاز سرب و روی، تخریب طبیعت و حوادث مرگبار دست‌وپنجه نرم می‌کند. حالا دوباره خبر ریزش معدن و گرفتارشدن چند نفر منتشر شده است. سؤال اینجاست که با وجود سابقه این حوادث، چرا هنوز افرادی می‌توانند شبانه وارد محدوده شوند؟ اگر نگهبان وجود دارد، سازوکار حفاظت چگونه عمل می‌کند؟ اگر محدوده حفاظت می‌شود، مسیر ورود این افراد چگونه باز مانده است؟

این روایت، اگر از سوی مراجع مسئول تأیید شود، یک سؤال مهم را پیش می‌کشد: هنگامی که نگهبان در محل حضور دارد، چگونه چند نفر می‌توانند شبانه وارد محدوده اکتشافی شوند؟ از طرف دیگر، در همین گفت‌وگو نام نماینده اسفراین در مجلس نیز مطرح شد. فرد مورد گفت‌وگو مدعی بود که نماینده بر پیگیری و صحبت درباره آلبلاغ تأکید و اصرار داشته است. این بخش را، چون نقل‌قول یک فرد است و سند مستقلی درباره آن ندارم، نمی‌توانم به‌عنوان واقعیتی قطعی مطرح کنم و نیازمند بررسی و پاسخ مسئولان مربوط است؛ اما اصل ماجرا فراتر از یک نام و یک حادثه است.

آلبلاغ سال‌هاست با برداشت غیرمجاز سنگ سرب و روی، تخریب طبیعت و حوادث ناشی از ورود افراد به محدوده‌های اکتشافی روبه‌روست. معدن هنوز وارد مرحله بهره‌برداری رسمی نشده است. پس از انجام



اشهزاد پورهمود ناورودی

اکتشرگر محیط‌زیست

برداشت شبانه و غیرمجاز از دهنه‌های اکتشاف معدن آلبلاغ در منطقه حفاظت‌شده سارنگ، در شهرستان اسفراین، به مرگ یک نفر و مصدوم شدن دو نفر دیگر منجر شد. برای اینکه بیشتر در جریان ماجرا قرار بگیرم، با یکی از رانندگان معدن که از نزدیک با شرایط منطقه آشناست، گفت‌وگو کردم. او درباره شب حادثه روایت متفاوتی از آنچه در خبرهای رسمی می‌خوانیم داشت. به گفته او، با وجود اینکه برای محدوده‌های اکتشافی نگهبان در نظر گرفته شده بود، شش نفر شبانه و به‌صورت غیرمجاز وارد محدوده شده بودند.

کشاورزان اصفهان با آثار تغییر اقلیم و صنعتی شدن بر زندگی و معیشت خود چه می‌کنند؟

کشت بیشتر، برای بقا

کاهش آب وزمین، گسترش صنایع ورشد جمعیت کشاورزان را به کشت مداوم، مصرف بیشتر کود و جست وجوی زمین‌های بکر برای ادامه تولید کشانده است



ا خبرگزاری صدا و سیما | [۹]

ا پیام ما | «الان دیگه زمینو به لحظه راحت نمی‌دارن. هر چی بشه، می‌خوان به چیزی بکارن». زمینی که زمانی فرصتی برای آیش و استراحت داشت، حالا باید پیوسته محصول بدهد. در روایت کشاورزان اصفهانی، کم‌آبی و فشار ناشی از رشد جمعیت و صنعتی شدن، آنها را به استفاده فشرده‌تر از زمین واداشته است؛ کشت مداوم، مصرف بیشتر کودهای شیمیایی و جست‌وجوی زمین‌های بکر برای ادامه تولید. این یافته حاصل پژوهشی کیفی و مصاحبه با ۲۹ کشاورز از مناطق مختلف استان اصفهان است و «تخریب زیست‌بوم کشاورزی» را پدیده محوری در تجربه کشاورزان از گذار به جامعه صنعتی معرفی می‌کند.

کشاورزان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در برابر تغییر اقلیم‌اند، زیرا معیشتشان به خاک، آب و اقلیم وابسته است. هشدارهای پیشین می‌گوید قوی‌ترین آثار تغییر اقلیم در آینده بر نظام کشاورزی و امنیت غذایی نمایان می‌شود و کشاورزان کم‌درآمد بیشترین آسیب را می‌بینند. اما آنها خود چه درکی از تغییر اقلیم و گذار به جامعه صنعتی دارند؟ این سوال گروهی از پژوهشگران را واداشت تا تا پای صحبت کشاورزان مناطق مختلف استان اصفهان بنشینند و تجربه‌های آنها از تغییر اقلیم، صنعتی شدن و دگرگونی کشاورزی را بررسی کنند.

این مقاله علمی پژوهشی که بهار امسال در نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی منتشر شده است، نشان می‌دهد تخریب زیست‌بوم کشاورزی به واسطه شرایط زمینه‌ای همچون رشد جمعیت و فشار به منابع طبیعی، و همچنین مداخله‌های ناآرامد دولت در زمینه مدیریت منابع آب و

نیمه‌خشک یا بارش سالانه کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر است. روند خشکسالی‌ها در این استان افزایشی و آینده‌آن آسیب‌پذیرتر خواهد بود. همچنین فعالیت کارخانه‌ها موجب آلودگی خاک‌های کشاورزی اصفهان به فلزهای سنگینی چون مس، سرب، روی و کادمیوم شده است.»

❧ کشاورزان چه می‌گویند؟

کشاورزان در این پژوهش، از چند فشار هم‌زمان می‌گویند؛ کاهش آب وزمین، گسترش صنایع و جمعیت و تصمیم‌هایی که به گفته آنها، گاد فشار بر منابع را بیشتر کرده‌است. برخی از کشاورزان صنعت را عامل مستقیم آلودگی و از دست رفتن زمین‌های کشاورزی می‌دانند. مثل کشاورزی در تیرانچی که می‌گوید: «شرکت فولاد رو آوردن اینجا، کشاورزمون نابود شد... پرتوها و آلودگی فولاد روی درختا تأثیر گذاشته، چنارها رو خشک کرده... بعید می‌دونم چند سال دیگه چیزی به اسم کشاورزی بمونه.»

جانمایی نامناسب صنایع هم با انتقاد گسترده کشاورزان مواجه است. یکی از کشاورزان ورزنه چنین نظری دارد: «کارخانه‌ها رو ببرن کنار دریا. فولاد آب مصرف می‌کنه، مریضیاش رو سر مردم خالی می‌کنه... اینا دارن آب فلات مرکزی رو تموم می‌کنن.» کشاورزان از سوی دیگر افزایش گازهای گلخانه‌ای را نتیجه مستقیم گذار به جامعه صنعتی و یکی از علل اصلی تغییر اقلیم می‌دانند.

بر اساس این پژوهش کاهش اراضی کشاورزی و گسترش شهرها و صنایع در کنار رشد جمعیت، از دیگر چالش‌های گذار به جامعه صنعتی است که به کاهش زمین‌های قابل کشت و افزایش فشار بر منابع طبیعی منجر شده است. از دیدگاه کشاورزان، این روند به تخریب زیست‌بوم کشاورزی و وارد شدن فشار قابل‌توجهی بر منابع آب و زمین انجامیده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در توضیح این وضعیت می‌گوید: «یه زمانی جمعیت کم بود وزمین زیاد. حالا زمین‌هاکم شدن و جمعیت سه برابر شده... اگه بخوای تقسیم کنی، به هر نفر شاید پانصد متر زمین برسه. کشاورزی دیگه نمی‌تونه خرجشونو بده.» یکی دیگر از کشاورزان، وضعیت منطقه را این‌طور توصیف می‌کند: «حالا که جمعیت زیاد شده، واقعاً آبی می‌بندن... حدود چهل هزار نفر این منطقه شده. واقعاً آبی نیست. شاید شش تا یا هفت تا چاه عمیق بیشتر نداشته باشیم، ولی جمعیت داره.»

❧ مداخله ناآرامد دولت‌ها

به باور کشاورزان، تصمیم‌های دولتی در حوزه کشاورزی اغلب ماهیتی دستوری دارند و بدون توجه به شرایط محلی اتخاذ می‌شوند. این تصمیم‌ها بر پدیده مورد مطالعه تأثیر می‌گذارند و به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شده‌اند.

در روستاهایی مانند تیرانچی در خمینی‌شهر، دولت کشت محصولات آب‌بر مانند برنج را ممنوع کرده است؛ اما این تصمیم نتیجه معکوس داشته وکشاورزان به‌صورت پنهانی به کشت آن ادامه داده‌اند. یکی از افراد مورد مطالعه چنین روایت می‌کند: «وقتی خشکسالی شد، اجازه ندادن برنج بکاریم. گفت دولت به‌جاش کلاتا بکارین، بعد هم برا کلاتا وام دادن، اما مردم گوش نمی‌دن، خودشون می‌کارن.»

یکی دیگر از تصمیم‌های دولت در بخش کشاورزی، با هدف بهبود مصرف آب و استفاده بهینه از آن، اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در مناطقی مانند ازان و وزوان بوده است. این طرح اگرچه با هدف افزایش بهره‌وری آب اجرا شد، اما به دلیل بی‌توجهی به شرایط جغرافیایی و اکولوژیکی، مشکلات متعددی ایجاد کرده است. در زروان که شمال اصفهان واقع شده، زمین‌ها بدون توجه به شیب طبیعی و الگوی مالکیت یکپارچه شده‌اند؛ موضوعی که به بروز اختلاف بین کشاورزان، اختلال در آبیاری سنتی و کاهش بارزه انجامیده‌است.

دانشگاه پیام نور تهران نویسندگان مقاله «تغییر اقلیم و شیوه گذار کشاورزان به جامعه صنعتی، ادراک کشاورزان استان اصفهان از پیامدهای تغییر اقلیم و صنعتی شدن»، در مقدمه کار خود صنعتی شدن را عامل اصلی تغییر اقلیم معرفی می‌کنند و می‌نویسند: «استان اصفهان منطقه‌ای صنعتی و

چالش‌های کشاورزان است. بیشترین نارضایتی به رعایت نشدن حقایه تاریخی آنها بازمی‌گردد. به گفته کشاورزان، دولت به‌جای تقسیم منصفانه آب بر اساس الگوی سنتی، سیاست‌هایی اعمال کرده که سهم کشاورزان را کاهش داده و تنش‌هایی میان آنان و نهادهای دولتی ایجاد کرده است.

یکی از کشاورزان دیزچه می‌گوید: «آب زاینده‌رود مال ماست، اما دادن به یزد و جاهای دیگه... نود درصد خشکسالی از همین زاینده‌روده. حقایه از زمان شیخ‌نهایلی بوده؛ اون موقع به اندازه زمین آب تقسیم می‌کردن... ولی حالا که آب نمی‌رسه، تالاب گاوخونی خشک شده.»

بر پایه این پژوهش، بسیاری از مشکلات مدیریت دولتی در بخش کشاورزی، ناشی از ضعف نظام قانون‌گذاری است. نبود شفافیت حقوقی، تغییر مکرر قوانین و مقررات ناآکارآمد، کارایی مداخله‌های دولت را کاهش داده است. وقتی این مداخله‌ها در چارچوب قوانین مبهم و ناپایدار انجام شوند، شدت مشکلات چندین برابر می‌شود. یکی از کشاورزان دیزچه در توضیح این ضعف‌ها می‌گوید: «دولت اون موقع جلوی حفر چاه رو نگرفت، حالا بعد از بیست سال می‌گه اون چاه غیرقانونیه... یه چاه صد سال قدمت داره، حالا می‌خوان روش کنکور بزنند... چرا قانون توی کشور ما هی عوض می‌شه؟ این به کار ما ضربه می‌زنه، درختامون داره از بین می‌ره.»

❧ زمین‌ها بی‌وقفه زیر کشت است

پژوهشگران می‌گویند برای سازگاری با این فشار ساختاری، کشاورزی سودمحور رواج یافته است. در این رویکرد، هدف اصلی، کسب درآمد است و تبعات محیط‌زیستی اقدامات نادیده گرفته می‌شود. آنچه اتفاق می‌افتد این است: کشاورزان، در پاسخ به سلیقه بازار، به‌طور بی‌رویه از کودهای شیمیایی استفاده می‌کنند؛ زیرامصرف‌کنندگان ظاهرآ بیش از کیفیت محصول، به ظاهر آن توجه دارند. چه آنکه یکی از کشاورزان می‌گوید: «کشاورز وقتی کود شیمیایی استفاده می‌کنن، محصولشون قشنگ‌تر درمیان... می‌گن ببین چه سبب‌زمینی بزری، چه آلوهای خوش‌فرمی؛ ولی اگه بخوای میوه طبیعی دربیاد، رشدش این قدر زیاد نیست.»

در همین حال در بسیاری از اراضی کشاورزی استان اصفهان، استفاده مکرر و دوگانه از زمین با هدف کسب سود بیشتر رواج یافته است. با گسترش کشاورزی سودمحور، مفهوم آیش (استراحت دادن به زمین) عملاً بی‌معنا شده و کشاورزان بدون وقفه زمین را زیر کشت می‌برند. یکی از کشاورزان پادنا درباره این بهره‌برداری می‌گوید: «الان دیگه زمینو به لحظه راحت نمی‌دارن. هر چی بشه، می‌خوان به چیزی بکارن. وقتی این‌قدر از زمین بهره‌کشی می‌کنی، زمین خودش داغ می‌کنه، گاز تولید می‌کنه.»

پژوهش کشت در اراضی بکر و دست‌نخورده یکی دیگر از «رفق‌های نامطلوب» معرفی می‌کند. «کشاورزان، بدون آگاهی از پیامدهای ویرانگر این اقدام، برای کسب سود بیشتر زمین‌های بکر را زیر کشت می‌برند. این نوع کشت معمولاً پس از آن رواج می‌یابد که زمین‌های قبلی در اثر بهره‌برداری بیش از حد فرسوده شده‌اند.»

❧ خسارت تغییر اقلیم به کشاورزی

کشاورزان شاهدند که بارش برف کمتر از گذشته است، چشمه‌ها خشکیده‌اند، زمان خشکوفه‌دهی درختان تغییر کرده و گاهی بارش شدید، خسارتی به بار آورده که پس از سال‌ها خشکسالی، زمین دیگر توان مقابله با آن را نداشته است.

پژوهش حاضر درباره پیامدهای تغییر اقلیم و چالش‌هایی که برای کشاورزی و محیط‌زیست استان اصفهان ایجاد کرده چنین نوشته است: «یکی از این پیامدها، افزایش رخدادهای شدید اقلیمی مانند سیلاب‌ها و بارش‌های سیل‌آساست که پیش‌تر در همه مناطق دیده نمی‌شد، اما اکنون در مناطقی مانند سمیرم و پادنا خسارت‌های فراوانی به بار آورده‌اند. به گفته کشاورزان، میان خشکسالی‌های شدید و وقوع سیلاب‌های ناگهانی رابطه‌ای چرخه‌ای وجود دارد.»

یکی از کشاورزان پادنا که منطقه‌ای کوهستانی در شهر سمیرم است، این چرخه را چنین روایت می‌کند: «انتظار همچین سیلی رو نداشتیم... به خاطر خشکسالی‌های اخیر، زمین‌ها خشک شده بودن و وقتی بارون شروع شد، آب همه چیز رو با خودش برد- درختا، گل، ولای کوه‌ها... پل هم خراب شد.» از سوی دیگر خشکسالی همچنان اصلی‌ترین مشکل کشاورزان اصفهان است. این پدیده در گذر زمان شدت یافته

و آثار بلندمدت آن بر بیابان‌زایی حتی درمناق نسبتاً پربارشی مانند پادنا و سمیرم نمایان شده است. یکی از کشاورزان ازان درباره خشکسالی و گسترش بیابان‌زایی می‌گوید: «امسال اصلاً برف ندیدیم. داریم به سمت خشکی و بیابان‌زایی می‌ریم. چاه ما دیگه آبی برای تسخیت نداره... نسبت به ده سال پیش، مراتع بیش از شصت درصدش از بین رفته.»

بی‌نظمی و غیرقابل پیش‌بینی بودن الگوی بارش‌ها و دما، در برخی موارد به از بین رفتن محصولات کشاورزی انجامیده و تصمیم‌گیری کشاورزان را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از کشاورزان افجان این بی‌نظمی اقلیمی را چنین توصیف می‌کند: «پارسال همه‌چی خوب بود، همه‌جا محصول داشتیم. اما امسال، یکی دو ماه قبل از عید هوا گرم شد، وسط زمستون؛ گل‌ها زود شکوفه دادن، بعد دوباره سرما زد و همه شکوفه‌ها رو از بین برد.»

پژوهش از این می‌گوید که در بلندمدت، بیابان‌زایی تدریجی یکی از مفاهیم اساسی در تبیین روند تغییر اقلیم است. چه آنکه در بیشتر مناطق استان اصفهان، بیابان‌زایی اقلیم را به سمت خشکی و ناباب‌رویی سوق داده است. یکی از کشاورزان سمیرم می‌گوید: «ده هکتار زمین داریم، اما نمی‌تونیم کشت کنیم... زمین حدود ده ساله که به مشکل خورده، خشک شده و از بین رفته. دیگه آبی نبوده که بخوایم زمینو احیا کنیم.»

بر اساس داده‌های این پژوهش، آفات کشاورزی از مفاهیم ریزکار و از مشکلات اصلی بخش کشاورزی استان اصفهان هستند که به اندازه خشکسالی چالش ایجاد کرده‌اند. بسیاری از کشاورزان در برابر این آفات احساس ناتوانی می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان فریدن در این‌باره روایت می‌کند: «قبلاً ذرت‌ها مون نه آفت داشت، نه در سمر ولی امسال کرم افتاد به جوش، همه‌ش از گرمی هواسـت. هوای فریدن اقتدر بد شد که مجبور شدیم سم و کود تقویتی استفاده کنیم.»

تغییر اقلیم و بارش‌های شدید و سیلاب‌ها در برخی مناطق استان اصفهان، بخش زیادی از درختان میوه را از بین برده و خسارت‌های مالی سنگینی به کشاورزان وارد کرده است. یکی از کشاورزان دیزچه وضعیت را چنین توصیف می‌کند: «الان کشاورزیمون تقریباً از بین رفته، همه‌اش باغ بود. درختا همه نابود شدن... درخت کارش تمضیه اکسیژنه ولی وقتی درختی نباشه چی؟ درختان مردن. امسال کرم افتاده به جون درختان. گردو بودن، شاخه‌هاشون خشک شدن.»

تغییر اقلیم تأثیر عمیقی بر محصولات کشاورزی و در نتیجه بر اقتصاد روستایی گذاشته است. کاهش دام و تغییر الگوی کشت از زراعت به باغداری، از جمله پیامدهای این وضعیت است. با این وضع، امید بسیاری از کشاورزان به محصولات باغی است، اما کاهش منابع آب، این امکان را نیز برای آنان محدود کرده است.

بر اساس این پژوهش، منابع آب در استان اصفهان با سرعت زیادی در حال کاهش‌اند و کیفیت آن‌ها نیز به وضعیت نامطلوبی رسیده است. هم‌زمانی خشکسالی، افت کیفیت خاک و کاهش منابع آبی، زیست‌بوم کشاورزی منطقه را در بحران قرار داده است. یکی از کشاورزان سمیرم درباره کاهش منابع آب و خشک شدن چشمه‌ها می‌گوید: «چندتا کارشناس آوردم، گفتن آب سطحی، عمق نداره. چشمه‌ها دارن خشک می‌شن. برف‌های کوه دنا که می‌گفتیم «برف‌کرمو» چند ساله دیگه نیست. زمین از بس خشکسالی بوده، تشنه شده، هرچی آب میاد، زمین می‌مکه.»

❧ بحران مدیریتنه ناتمام

این پژوهش تخریب زیست‌بوم کشاورزی را نمداد بحران مدیریتنه ناتمام در جوامع درحال توسعه می‌داند. پژوهشگران واکنش کشاورزان به فشارهای تغییر اقلیم و صنعتی شدن را شیوه سازگاری آنها با این چالش را نتیجه مجموعه‌ای از عوامل می‌دانند و معتقدند سازگاری با تغییر اقلیم را نمی‌توان فقط با تغییر نوع محصول یا شیوه کشت دنبال کرد. به باور آنها، آموزش و توانمندسازی کشاورزان، دسترسی به فناوری و روش‌های جدید کشاورزی و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها باید بخشی از سیاست‌های سازگاری باشد. این پژوهش از طرف دیگر، بازنگری در سیاست‌های صنعتی و کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی را ضروری می‌داند و می‌گوید حفظ پایداری کشاورزی در اصفهان نیازمند سیاست‌هایی است که هم‌زمان فشارهای اقلیمی، صنعتی و اجتماعی را در نظر بگیرد و کشاورزان را نیز در فرایند تصمیم‌گیری و سازگاری با این تغییرات سهیم کند.

ا خبر |

توقف زادآوری بلوط‌های لرستان با ادامه خشکسالی

وارد چرخه مرگ می‌شوند. در کنار این عوامل، فشارهای انسانی مانند آتش‌سوزی و چرای بی‌رویه نیز فرصت استقرار نهال‌های جدید را از بین می‌برد.

او با اشاره به برآوردهای مطرح‌شده درباره آینده جنگل‌های زاگرس گفت: «کارشناسان معتقدند با ادامه روند فعلی، در کمتر از سه دهه ممکن است نیمی از پوشش بلوط زاگرس از بین برود؛ رخدادی که حتی می‌تواند ساختار اکوسیستم را از جنگل به سمت نیمه‌بیابانی شدن تغییر دهد.»

بیرجندی تأکید کرد: «این وضعیت به معنای ناامیدی مطلق نیست و نباید جنگل را رها کرد. نهال‌کاری و طرح‌های کاشت نهال می‌توانند به احیای جنگل کمک کنند، اما این اقدامات باید در کنار مدیریت منابع آب انجام شوند و صرفاً به اقداماتی نمادین محدود نمانند.»

او مدیریت علمی، جامع و بلندمدت را شرط احیای جنگل‌های زاگرس دانست و گفت: «این مدیریت باید علاوه بر کنترل آفات، شامل پایش علمی، مدیریت آبخیزداری، تقویت پوشش گیاهی و مشارکت جوامع محلی باشد. احیای چشمه‌های موجود و تقویت منابع آبی طبیعی نیز می‌تواند به حفظ توان ترمیم اکوسیستم جنگل کمک کند.» ایسنا



گروه	شرح اقلام مازاد، ضایعاتی و از رده خارج	تعداد / مقدار
۱	شامل بشکه های فلزی مستعمل	۱۵۰۰ عدد
۲	شامل انواع قطعات مستعمل کارخانه ها	۷۰ تن + ۶۲۷ عدد
۳	شامل انواع مواد لاستیکی فرسوده	۱۵۲۱ عدد
۴	شامل بشکه های پلاستیکی مستعمل	۱۷۰ عدد
۵	شامل انواع دستگاه های صنعتی مستعمل	۷۳ عدد

علاقه‌مندان و خریداران واجد شرایط می‌توانند از تاریخ درج این آگهی لغایت روز یکشنبه مورخ **۱۴۰۵/۰۷/۰۵**، با ارائه مدارک و مستندات لازم، جهت بازدید از

اقلام مذکور و خرید اسناد مزایده به شرکت لوله‌سازی اهواز مراجعه نمایند.

ساعات مراجعه: روزهای شنبه تا چهارشنبه، از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۱:۰۰ صبح (به استثنای پنجشنبه، جمعه و تعطیلات رسمی)

محل مراجعه: اهواز – ناحیه صنعتی کارون – میدان شهدای لوله‌سازی اهواز – ساختمان مرکزی – طبقه دوم (امور قراردادها)

شرایط شرکت‌کنندگان:

کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط می‌توانند با تسلیم مستندات قانونی ذیل در این مزایده شرکت نمایند :

• **اشخاص حقیقی:** ارائه اصل و کپی برابر اصل کارت ملی و گواهینامه

ثبت‌نام در سامانه ثنا.

• **اشخاص حقوقی:** ارائه کپی برابر اصل اسناد شرکت (اساسنامه،

آگهی‌های تأسیس و آخرین تغییرات)، کارت ملی مدیرعامل / نماینده و

گواهینامه ثبت‌نام در سامانه ثنا.

• **نمایندگان:** ارائه اصل وکالت‌نامه رسمی (ثبت‌شده در دفاتر اسناد رسمی

کشور) با اختیارات کامل.

شرکت لوله‌سازی اهواز (سهامی عام)

- شرکت‌کنندگان ملزم به ارائه ضمانت‌نامه بانکی معادل ۱۰% از مبلغ کل پیشنهاد خود به نفع شرکت لوله‌سازی اهواز هستند.
- شرکت لوله‌سازی اهواز حق قبول یا رد هر یک از پیشنهادات (یا تمامی آن‌ها) را بدون نیاز به ذکر دلیل برای خود محفوظ می‌دارد.
- کلیه هزینه‌های چاپ آگهی مربوط به این مزایده بر عهده برنده مزایده خواهد بود.
- سایر شرایط و ضوابط در اسناد مزایده درج گردیده است.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت زیر مراجعه کنید: <https://www.apm-ir.com>
- تلفن:** ۳۲۲۷۴۹۰۱ – ۰۶۱

اخبار

«محمد جهانشاهی» به عضویت شورای جهانی گردشگری پایدار درآمد



محمد جهانشاهی

اپیام ما«محمد جهانشاهی»، مدیر و فعال حوزه گردشگری پایدار و سبز کشور، به عنوان عضو فردی به شورای جهانی گردشگری پایدار (Global Sustainable Tourism Council – GSTC) پیوست.

شورای جهانی گردشگری پایدار نهادی شناخته شده در سطح بین المللی است که چارچوب‌های جهانی گردشگری پایدار را تدوین و ترویج می‌کند. این نهاد بر گسترش شاخص‌ها و معیارهای پایداری در چهار حوزه مدیریت پایدار، منافع اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی، میراث فرهنگی و محیط‌زیست تمرکز دارد. به گفته جهانشاهی، عضویت در این نهاد بین‌المللی امکانات گسترده‌ای از جمله دسترسی به شبکه بین‌المللی اعضا، جامعه متخصصان، منابع تخصصی و آموزشی، و بینارها و نشست‌های فنی را برای اعضا فراهم می‌کند. این عضویت همچنین فرصت مشارکت در گفت‌وگوها، تبادل تجربه و دیگر فعالیت‌های مرتبط با توسعه گردشگری پایدار را در اختیار اعضا می‌گذارد.

جهانشاهی درباره اهمیت عضویت در این نهاد بین‌المللی گفت: «این عضویت بیش از آنکه یک عنوان حرفه‌ای باشد، فرصتی برای ارتباط جدی‌تر با جریان‌های جهانی گردشگری پایدار و انتقال تجربه میان کشورها و جامعه بین‌المللی است.» او افزود: «بخش حرفه‌ای گردشگری کشورها نیازمند آشنایی و درک بهتر روندها و دستاوردهای جهانی گردشگری از منظر پایداری و در عین حال توجه جدی به شرایط و مسائل بومی کشور است.»

جهانشاهی پایداری را، مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، اصل اساسی توسعه صنعت گردشگری دانست و افزود: «امروزه مسائلی چون مدیریت و پایداری مقاصد، تأمین و مصرف منابع، به‌ویژه آب و انرژی، تغییرات اقلیمی، مدیریت پسماند، مسئولیت‌های اجتماعی و نحوه مواجهه با جوامع محلی، دیگر موضوعاتی را شبیه‌ای در توسعه گردشگری نیپسندند و نقش مهمی در حکم‌رانی این صنعت دارند.» جهانشاهی طی سال‌های گذشته در زمینه توسعه طبیعت‌گردی و بوم‌گردی، ثبت میراث طبیعی جهانی و توسعه گردشگری روستایی فعالیت کرده است. او در سال‌های اخیر نیز با تمرکز بر گردشگری پایدار و سبز، برنامه‌هایی چون نخستین دوره «شان هتل سبز» کشور، گسترش «برق سبز گردشگری» و ثبت روز ملی بوم‌گردی در تقویم رسمی کشور را دنبال کرده است.

تفاهم نامه مرمت بناهای آسیب دیده تهران امضا شد

تفاهم‌نامه همکاری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و شهرداری تهران با هدف مرمت، حفظ و احیای بناها، بافت‌ها و منظر شهری تاریخی آسیب‌دیده تهران در پی وقایع جنگ رمضان، میان وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و شهردار تهران در برج میلاد به امضا رسید.

آیین امضای تفاهم‌نامه همکاری میان وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و شهرداری تهران برای مرمت، حفظ و احیای بناها و منظر شهری تاریخی آسیب‌دیده تهران در جنگ رمضان، با حضور «سیدرضا صالحی‌امیری»، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، «علیرضا ژاگانی»، شهردار تهران، معاونان و مدیران ستادی دو مجموعه و جمعی از سرمایه‌گذاران در برج میلاد تهران برگزار شد.

این تفاهم‌نامه با هدف ایجاد چارچوبی منسجم برای هم‌افزایی ظرفیت‌های ملی و مدیریت شهری، تسهیل فرایندهای مرتبط با مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای صیانت از هویت تاریخی و فرهنگی تهران به امضا رسید.

در مقدمه این تفاهم‌نامه، با اشاره به اهمیت صیانت، حفاظت، مرمت و احیای میراث فرهنگی و بناها و بافت‌های تاریخی تهران، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های طرفین برای حفاظت از این سرمایه‌های ارزشمند تأکید شده است.

همچنین، با توجه به آسیب‌های وارد شده به برخی از بناها و بافت‌های تاریخی تهران در پی وقایع اخیر، اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت، تثبیت، مرمت و احیای این عناصر ارزشمند تاریخی و فرهنگی از محورهای اصلی این همکاری مشترک تعیین شده است. ا وزارت میراث‌فرهنگی

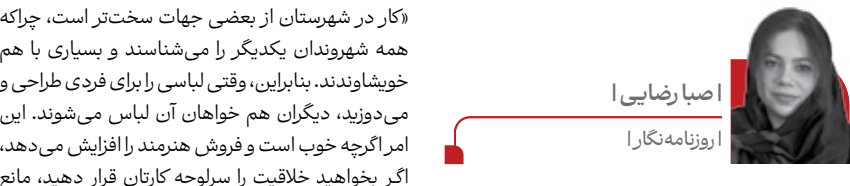
پیام‌ها



«سوزن دوزی» میان سنت و نوآوری ادامه دارد

نخ‌هایی که هنر خلق می‌کنند

پرهیز از تکرار، خلق طرح‌های تازه، ارتباط مستقیم با مشتری و تلاش برای حفظ هویت شخصی آثار، از ویژگی‌هایی است که باید در سوزن‌دوزی مدنظر قرار داد؛ اما با گسترش فعالیت هنرمندان صنایع‌دستی در شبکه‌های اجتماعی، رعایت این موارد تقریباً غیرممکن شده است. در زمینه سوزن‌دوزی، افزایش کیی‌برداری در شبکه‌های اجتماعی، دشواری تأمین مواد اولیه، کاهش توان تشکیل تیم‌های تولیدی و مشکلات مدیریتی، بخشی از چالش‌های جدی هنرمندان این حوزه است. سوزن‌دوزی در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و در دوره‌های مختلف تاریخی، از جمله دوره صفوی، به‌عنوان یکی از هنرهای تزئینی پارچه و پوشاک گسترش یافت. در شمال ایران نیز گونه‌های مختلف رودوزی شکل گرفته است. در استان گلستان، سوزن‌دوزی «ترکمن» از مهم‌ترین نمونه‌هاست که برای تزئین پوشاک و انتقال هویت و نقش‌های سنتی ترکمن به کار می‌رود. این هنر در سال ۲۰۲۲ به‌صورت مشترک میان ایران و ترکمنستان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ثبت شد. در کنار آن، «بخارادوزی» و دیگر رودوزی‌های سنتی نیز در بخش‌هایی از گلستان، از جمله «نوکند» و گرگان، رواج داشته‌اند.



سوزن‌دوزی و لزوم خلاقیت

«فهمیه اشرفی»، فعال و هنرمند سوزن‌دوزی، نزدیک به چهار دهه است که به‌صورت حرفه‌ای برای بازار کار می‌کند، اما آشنایی او با هنرهای دستی به سال‌های بسیار دورتر برمی‌گردد. این هنرمند سوزن‌دوزی به خیزگرار «پیام ما» می‌گوید: «از کودکی در خانواده‌ای هنرمند بزرگ شدم و به صنایع‌دستی علاقه‌مند بودم. البته سوزن‌دوزی تنها فعالیت من نبوده و در طراحی و تزئین لباس، کار با سنگ، ملیله، منجوق و دیگر مواد تزئینی نیز فعالیت می‌کنم.»

او درباره فعالیتش در زمینه سوزن‌دوزی بیان می‌کند: «کار من فقط سوزن‌دوزی نیست. تخصص اصلی من: لباس است و در کارهایم از سنگ، ملیله، منجوق و چیزهای مختلف استفاده می‌کنم. به‌طور کلی، زمینه‌ای که از خانواده به من رسیده، باعث شده است علاقه زیادی به کارهای هنری داشته باشم، اما چیزی که برای خودم خیلی مهم است، این است که در کارم تکرار نکنم.» او تأکید می‌کند: «دوست ندارم یک طرح را چند بار تکرار کنم. همیشه تلاش می‌کنم خلاقیت را در کارم در اولویت قرار دهم. یکی از دلایلی که با وجود کسادى بازار و مشکلاتی که در کشور ایجاد شده، هنوز هم مشتری دارم، ارائه‌نکردن آثار تکراری به مشتری است.»

کار در شهرستان و تأثیر سلیقه مشتری
اشرفی درباره تفاوت کار در شهرستان و تهران می‌گوید:

اجتماعی می‌گذارید، دیگر نمی‌توانید جلوی استفاده دیگران از آن را بگیرید.»

اشرفی می‌افزاید: «گاهی حتی می‌بینم افراد در صفحه‌هایشان کارهای دیگران را منتشر می‌کنند و می‌گویند کیی نیست، اما واقعیت این است که وقتی طرحی در فضای مجازی قرار گرفت، احتمال کیی‌کردنش بسیار زیاد است. من سال‌ها برای رسیدن به یک طرح وقت گذاشته‌ام. ممکن است یک طرح نتیجه چند روز یا حتی چندین سال تجربه باشد. نمی‌توانم به‌سادگی آن را در اختیار فضای مجازی بگذارم و بعد ببینم فرد دیگری همان طرح را با تغییرات جزئی اجرا و به نام خودش معرفی می‌کند.»

کرونا؛ پایان یک دوره از فعالیت گروهی

او در ادامه به وضعیت بازار پیش از کرونا اشاره می‌کند و می‌گوید: «تا سال ۱۳۹۸، قبل از کرونا، شرایط خیلی خوب بود. تقریباً هرچه امروز دارم، حاصل همان دوره و نتیجه سال‌ها فعالیت، تجربه، ابتکار و تنوع کاری است. حتی در دوران کرونا هم مشتری خودم را داشتم. هیچ‌وقت کاملاً بدون مشتری نبودم، اما شرایط مثل گذشته گسترده نبود. قبل از کرونا سه، چهار همکار داشتم و دخترهایی هم می‌آمدند و کمک می‌کردند، اما بعد دیگر نتوانستم آن گروه را دوباره جمع کنم.»

به گفته اشرفی، تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز بر نوع سفارش‌ها اثر گذاشته است. او تأکید می‌کند: «بازار هنوز وجود دارد، اما شکل تقاضا تغییر کرده است. لباس شب همچنان مشتری دارد، ولی چون مهمانی‌های خانگی کمتر شده و مراسم‌ها هم تغییر کرده‌اند، سفارش‌ها بیشتر به سمت لباس‌ها و محصولات رفته که کاربرد بیشتری دارند.»

اشرفی یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی سوزن‌دوزی را پیوند آن با لباس و مد می‌داند و می‌گوید: «بازار لباس و مد خوب است. به تازگی ترکیب سوزن‌دوزی با لباس‌ها طرفداران بسیاری پیدا کرده است. از سوی دیگر، لباس‌ها خود بزرگ‌ترین تابلوی تبلیغاتی هستند. زمانی که خانم لباسی را که روی آن سوزن‌دوزی کرده‌ام می‌پوشد، احساس می‌کنم خودم آن لباس را پوشیده‌ام. آن لباس برای من تبلیغ می‌شود، چون وقتی آن فرد با لباسی که سوزن‌دوزی کرده‌ام به مهمانی می‌رود، دیگران آن را می‌بینند و درباره کار سؤال می‌کنند.»

مواد اولیه؛ از گرانی تا تغییر رنگ منجوق و ملیله

اشرفی یکی از جدی‌ترین مشکلات امروز این حوزه را تأمین مواد اولیه می‌داند و می‌گوید: «مواد اولیه یکی از مشکلات عمده در سوزن‌دوزی است. شرایط به‌گونه‌ای شده که حتی خرازی‌ها به من می‌گویند اگر این مواد را دارید، برای ما بیاورید، ما از شما می‌خریم.»

او می‌افزاید: «از قدیم مقداری مواد اولیه ذخیره دارم، اما امروز اگر بخواهم جنس تهیه کنم، گاهی پیدا نمی‌شود یا کیفیت لازم را ندارد. امروزه حتی منجوق‌ها و ملیله‌ها رنگ می‌دهند و این مشکل‌ساز است. تصور کنید لباسی را که زحمت زیاد دوخته‌ام و مشتری هم برای آن هزینه زیادی داده است؛ بعد لباس یک‌بار شسته می‌شود و مواد اولیه رنگ می‌دهد و کل لباس خراب می‌شود. در چنین شرایطی هم کار من آسیب می‌بیند و هم کیفیتی که مشتری از یک کار درست انتظار دارد، زیر سؤال می‌رود. هنرمند وقتی مواد اولیه‌ای که در اختیارش قرار می‌گیرد کیفیت ثابتی ندارد، نمی‌تواند کیفیت نهایی را تضمین کند.»

مواد اولیه خارجی و مشکل دسترسی

اشرفی می‌گوید بخشی از مواد اولیه مورد نیاز هنرمندان از خارج تأمین می‌شود و دسترسی به آن‌ها همیشه آسان نیست.

او می‌گوید: «بعضی منجوق‌ها، ملیله‌ها و سنگ‌ها به‌راحتی پیدا نمی‌شوند. گاهی هم مواد خارجی وارد بازار می‌شوند، اما هم گران‌اند و هم دسترسی به آن‌ها دشوار است.»

بازار خارجی و ظرفیت معرفی سوزن‌دوزی ایرانی
اشرفی معتقد است بازار خارجی می‌تواند ظرفیت مهمی برای این هنر ایجاد کند. او می‌گوید: «در کشورهای دیگر هم سوزن‌دوزی‌های مختلف وجود دارد. از طریق شبکه‌های اجتماعی کارهای خارجی را می‌بینیم؛ از ژاپن گرفته تا کشورهای اروپایی. این ارتباط باعث شده است هنرمندان با شیوه‌های مختلف دوخت آشنا شوند. مثلاً سیاه‌دوزی در کشورهای مختلف وجود دارد. در رومانی و

کشورهای اسکندینیایوی نمونه‌هایی از آن را می‌بینیم. بعضی بزردهای معروف جهان هم از این نوع دوخت‌ها استفاده کرده‌اند.»

این هنرمند معتقد است ایران نیز در این زمینه ظرفیت بالایی دارد. او تأکید می‌کند: «اگر برای بازار خارجی سرمایه‌گذاری شود، می‌توان محصولات ایرانی را معرفی کرد. ما هنرمندان زیادی داریم که کارهای بسیار خوبی انجام می‌دهند، اما مسئله این است که این کارها چطور باید به بازار معرفی شوند.»

تجربه تعاونی و کارگاه ۳۸ نفره

اشرفی درباره تجربه فعالیت گروهی خود نیز می‌گوید: «من یک گروه ۳۸ نفره داشتم و در قالب یک شرکت تعاونی فعالیت می‌کردیم. این مجموعه در شمال کشور کم‌سابقه بود و افراد زیادی در آن کار می‌کردند. متأسفانه دوفنر از افرادی که خودشان هم هنرمند بودند، پول‌های دیگر همکاران را برداشتند و متواری شدند. بعد از آن اتفاق، افراد مجموعه جابه‌جا شدند و کار ما هم آسیب دید. متأسفانه دیگر نتوانستم آن مجموعه را مانند گذشته راه‌اندازی کنم. با وجود این اتفاق‌ها، خدا را شکر در گرگان اعتبار خودم را از دست نادم. هنوز هم از طرف میراث فرهنگی و شورای شهر برای نمایشگاه‌ها دعوت می‌شوم.»

حضور در نمایشگاه‌های مختلف

اشرفی درباره حضورش در نمایشگاه‌ها می‌گوید: «در نمایشگاه‌های مختلف کشور شرکت کرده‌ام و حتی چند نمایشگاه پشت سر هم داشته‌ام. گاهی از یک مجموعه فقط یک نفر را برای نمایشگاه می‌فرستادند و من به این موضوع اعتراض می‌کردم. بارها اعتراض خودم را به مسئولان فرهنگی مطرح کردم و حتی به‌صورت مکتوب درباره بعضی مسائل اعتراض کردم، اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که شاید بهتر باشد بیشتر از مسائل مدیریتی فاصله بگیرم و روی خود هنر تمرکز کنم.»

آموزش سوزن‌دوزی و نگرانی از ادامه‌یافتن آن

اشرفی حدود ۳۰ سال است که آموزش می‌دهد. او می‌گوید: «حدود ۳۰ سال است که آموزش می‌دهم. در این مدت افراد زیادی آمدند و آموزش دیدند، اما تعداد کسانی که بعد از آموزش واقعاً کار را ادامه داده‌اند، زیاد نیست. شاید در تمام این سال‌ها چند نفر بیشتر نباشند که به‌صورت جدی ادامه داده‌اند.»

او می‌افزاید: «به همین دلیل آموزش آنلاین را هم دنبال می‌کنم. به نظر این اجاف است که فقط کسانی که در گرگان هستند بتوانند از آموزش استفاده کنند. کسی که در تهران یا شهر دیگری زندگی می‌کند هم باید بتواند این هنر را یاد بگیرد.»

سوزن‌دوزی گرگان؛ تنوع نام‌ها و شیوه‌ها

این هنرمند درباره تنوع سوزن‌دوزی در مناطق مختلف می‌گوید: «ممکن است یک نوع دوخت در منطقه‌ای با نامی شناخته شود و در منطقه دیگری اسم دیگری داشته باشد. مثلاً ما زنجیره‌دوزی داریم و زنجیره‌دوزی دوقلو هم داریم. در آموزش‌های فنی-حرفه‌ای هم برای بعضی آژون‌ها چند مدل دوخت مشخص تعریف شده است.» اشرفی ادامه می‌دهد: «بعضی از این دوخت‌ها در سطح بین‌المللی نام مشخصی دارند، اما در مناطق مختلف ایران با نام محلی خودشان شناخته می‌شوند. این تفاوت اسامی گاهی باعث می‌شود تصور کنیم با دو هنر متفاوت مواجه هستیم. در حالی که ممکن است ریشه دوخت مشابه باشد و تفاوت اصلی در طرح، رنگ و شیوه اجرا باشد.»

آیا سوزن‌دوزی ایرانی می‌تواند برند جهانی شود؟

اشرفی در پاسخ به این پرسش از آیا سوزن‌دوزی ایران ظرفیت تبدیل‌شدن به یک برند جهانی را دارد، می‌گوید: «بله، ظرفیتش را دارد. هم سوزن‌دوزی ترکمن و هم هنرهای بلوچ و دیگر مناطق ظرفیت بالایی دارند. بلوچ‌ها در سال‌های اخیر بیشتر در سطح جهانی معرفی شده‌اند و چند هنرمند و نماینده خوب داشته‌اند که کارشان را به بیرون از ایران برده‌اند. ما هم چنین ظرفیتی داریم.» او تأکید می‌کند: «برای جهانی‌شدن، فقط خوب‌بودن خود اثر کافی نیست. باید بازار وجود داشته باشد، معرفی درست انجام شود، هنرمند حمایت شود، مواد اولیه باکیفیت در دسترس باشد و مسئله کیی‌برداری هم جدی گرفته شود.»

اخبار

اخبار

تشکیلات لازم برای سرکشی مستمر به آثار تاریخی دیگر وجود ندارد

این‌بار باره باید با مسئولان مربوط صحبت کرد تا مشخص شود با چه مشکلاتی مواجه هستند و آیا کوتاهی صورت می‌گیرد یا خیر؛ اما طبق قانون، یگان حفاظت مسئول حفاظت از آثار تاریخی است.»

گلشن درباره نحوه تعیین مسئولیت حقوقی و کیفری در پرونده‌هایی که دستگاه‌های عمومی یا شهرداری‌ها متهم به تخریب آثار تاریخی هستند، بیان کرد: «در گذشته نیز مواردی وجود داشت که مسئولان دستگاه‌های مختلف در جهت تخریب آثار اقدام می‌کردند و علیه آن‌ها به دادگاه شکایت می‌شد و دادگاه نیز رسیدگی می‌کرد؛ چراکه اگر تخریبی برخلاف قانون انجام شده باشد، باید با آن برخورد و فرد یا افراد مسئول مجازات شوند. اکنون نیز همین رویه وجود دارد و تفاوتی از این نظر ایجاد نشده است.» او درباره موضوع «عین‌به‌عین» ساخته‌شدن بناهای تاریخی پس از تخریب و اینکه این اصطلاح تا چه اندازه قابلیت اجرایی دارد، توضیح داد: «برای اینکه یک اثر بتواند عین‌به‌عین بازسازی شود، باید زیرساخت‌های لازم از قبل فراهم شده باشد. برای مثال، آثار تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت می‌شوند یا واجد ارزش ثبت هستند، باید به‌صورت دقیق از سوی متخصصان برداشت و مستندسازی شوند؛ تا اگر بر اثر عوامل انسانی یا غیرانسانی تخریب شدند، امکان بازسازی آن‌ها وجود داشته باشد.» گلشن ادامه داد: «به نظر می‌رسد این تقیصه وجود دارد که برای آثاری که در فهرست آثار تاریخی ثبت می‌شوند، چه ثبت ملی و چه ثبت جهانی، همیشه کار فنی و مستندسازی لازم به اندازه‌ای انجام نمی‌شود که اگر اثر به هر دلیلی تخریب شد، بتوان آن را عین‌به‌عین دوباره برپا کرد. وزارت میراث‌فرهنگی باید در این زمینه بازنگری کند و ببیند آیا زیرساخت‌های لازم برای بازسازی دقیق آثار فراهم شده است یا خیر؛ چراکه اگر این زیرساخت‌ها از قبل ایجاد نشده باشد، امکان بازسازی عین‌به‌عین باز نیز وجود نخواهد داشت.»

او درباره مهم‌ترین ابزار قانونی پیشگیرانه برای حفاظت از بناهایی که واجد ارزش تاریخی هستند اما هنوز در فهرست آثار ملی ثبت نشده‌اند، گفت: «به نظر من باید فهرست آثار واجد ارزش ثبت در اختیار یگان حفاظت قرار گیرد و این یگان نیز موظف باشد از این آثار سرکشی کند و اجازه ندهد تخریبی صورت گیرد. اگر قرار باشد تخریبی انجام شود، باید پیش از آغاز عملیات یا در همان مراحل ابتدایی، از چنین اقدامی جلوگیری شود.» ایسنا

جلیل گلشن، باستان‌شناس و چهره ماندگار میراث فرهنگی، با اشاره به تخریب آثار تاریخی، از جمله خانه تاریخی «تومانیان» در سبزوار، معتقد است برای جلوگیری از تکرار چنین اتفاقاتی، فهرست بناهای «واجد ارزش ثبت» باید در اختیار یگان حفاظت قرار گیرد تا این آثار پیش از آغاز تخریب سرکشی و حفاظت شوند.

جلیل گلشن درباره کافی بودن قوانین موجود برای حفاظت از میراث فرهنگی و اینکه آیا مشکل اصلی به اجرا، تقسیم اختیارات یا ضمانت اجرای احکام مربوط می‌شود، گفت: «به نظر من قانون در برخی موارد نیاز به تصریح بیشتری دارد. از طرف دیگر، قانون فعلی نیز صراحت دارد که آثاری که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، در صورت تعرض یا تخریب، حتی در مواردی مانند نوشتن شعار روی آن‌ها، قابلیت پیگیری قضایی دارند.» او ادامه داد: «درباره بنای تاریخی سبزوار، آن‌طور که مسئولان وزارت میراث‌فرهنگی اعلام کرده‌اند، این بنا هنوز در فهرست آثار ملی به ثبت نرسیده بود، هرچند واجد ارزش ثبت بوده است. «واجد ارزش ثبت» نیز در واقع معنایی برای حفاظت محسوب می‌شود. از سوی دیگر مراجع قضایی و شهرداری‌ها نیز باید نسبت به حفظ آثار تاریخی حساس باشند و اجازه تخریب آن‌ها را ندهند تا فرایند ثبت اثر در فهرست آثار ملی انجام شود.» گلشن درباره نقش میراث‌فرهنگی در مواجهه با تخریب بناهای تاریخی و اینکه چرا در برخی موارد این دستگاه پس از وقوع تخریب وارد ماجرا می‌شود، اظهار کرد: «در گذشته، حتی در اوایل انقلاب، سازوکار حفاظت از آثار به این شکل بود که برای مثال، در استان تهران که من هم مسئولیت آن را بر عهده داشتم، یک نفر مشخص مسئول مراقبت از آثار ثبت‌شده بود و موظف بود هر روز از آثار سرکشی کند و وضعیت آن‌ها را گزارش دهد.»

او افزود: «متأسفانه این پست‌ها جایگاه‌های سازمانی حذف شده‌اند و تشکیلات لازم برای سرکشی مستمر از آثار دیگر وجود ندارد. در داخل شهرها و خارج از شهرها نیز نیروی انتظامی، پیش از تشکیل یگان حفاظت، مسئولیت حفاظت از آثار را بر عهده داشت و باید از تپه‌ها و آثار تاریخی سرکشی می‌کرد. پس از آن، یگان حفاظت جایگزین این سازوکار شد و طبق قانون، مسئولیت نگهداری و حفاظت از آثار تاریخی بر عهده این یگان قرار گرفت.» این چهره ماندگار میراث فرهنگی درباره اینکه چرا یگان حفاظت در برخی موارد دیر به محل تخریب می‌رسد، گفت: «در

رونمایی از نقشه گردشگری مترو تهران

تهیه شده است. توسعه این طرح و افزایش تعداد ایستگاه‌های مجوز به نقشه گردشگری تا ۴۰ ایستگاه نیز در دستور کار قرار دارد.

در طراحی نقشه‌ها، ظرفیت‌های گردشگری پیرامون ایستگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. جاذبه‌های تاریخی و میراثی، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و مذهبی، بوستان‌ها، مراکز تفریحی و دیگر نقاط شاخص شهری در محدوده هر ایستگاه معرفی شده‌اند.

مصطفی فاطمی در این آیین بر ضرورت حمل‌ونقل عمومی و گردشگری شهری شکل گرفته است تا مترو، علاوه بر جابه‌جایی شهروندان، به ابزاری برای شناخت و دسترسی به ظرفیت‌های گردشگری پایتخت تبدیل شود.

نقشه گردشگری مترو، مسیر حرکت را به مسیر کشف تهران پیوند می‌دهد؛ به این معنا که مسافر پس از رسیدن به هر ایستگاه، تصویری روشن از جاذبه‌ها و ظرفیت‌های گردشگری پیرامون خود داشته باشد و با استفاده از حمل‌ونقل عمومی، تفرانگردی را آسان‌تر و منسجم‌تر تجربه کند.

تاکون ۲۴ نقشه اختصاصی برای ایستگاه‌های منتخب مترو و یک نقشه جامع گردشگری شبکه متروی تهران

و گردشگران دانست. ا مهر

اخبار

شبکه بهداشت و درمان «پاوه» نتایج آزمایش‌های آب شرب «باینگان» را اعلام کرد

شبکه بهداشت و درمان پاوه اعلام کرد آزمایش نمونه‌های آب برداشت‌شده از مخزن ذخیره گرماب و شبکه توزیع شهر باینگان، در زمان نمونه‌برداری شواهدی از آلودگی میکروبی با شیمیایی قابل‌توجه نشان نداده است. این شبکه احتمال وقوع آلودگی کوتاه‌مدت در روزهای پیش از آغاز طغیان بیماری گوارشی را منتهی نمی‌داند. به گزارش روابط‌عمومی شبکه بهداشت و درمان پاوه، در پی بروز بیماری گوارشی با علامت اسهال و استفراغ در شهر باینگان، مرکز بهداشت شهرستان از شنبه ۲۴ مردادماه و در چند مرحله تا پایان طغیان، از منابع و نقاط مختلف آب شرب نمونه‌برداری کرد. هدف از این نمونه‌برداری‌ها بررسی کیفیت آب و شناسایی احتمالی آلودگی‌های میکروبی، شیمیایی و پاتوژن‌های شاخص بود.

بوشهر |

پویش / جشن عاطفه‌ها (#مشق همدلی)

آینده‌سازباشیم

۱۳ هزار دانش آموز نیازمند در بوشهر چشم‌انتظار مایحتاج تحصیلی

هر ساله جشن عاطفه‌ها در آستانه مهرماه به‌عنوان یکی از مناسبت‌های ملی کمک به علم‌آموزی، رشد و بالندگی کودکان، نوجوان و جوانان سرزمینمان در سراسر کشور برگزار می‌شود. شما خیرین و هم آستانی‌های عزیز هم می‌توانید با پیوستن به پویش مشق همدلی از طریق شماره‌گیری کد دستوری #۰۷۷۷*۱*۸۸۷۷* و یا شماره کارت ۰۳۷۰۴۰۳۷۹۹۷۹۵۰۰۶ کمک‌های خود را برای تهیه ملزومات تحصیلی ۱۳ هزار دانش‌آموز نیازمند در استان واریز کنید و با هدایای تحصیلی خود را به نزدیک‌ترین مراکز نیکوکاری و یا دفاتر کارگروه امداد در سراسر استان تحویل دهید. روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی کمیته امداد امام خمینی (ره) استان بوشهر

قزوین |

واحد شماره چهار بخاری «نیروگاه شهید رجایی» وارد تعمیرات نیمه‌اساسی شد

آغاز فصل تعمیرات در سال ۱۴۰۵

شریفی - واحد شماره چهار بخاری نیروگاه شهید رجایی باهدف انجام تعمیرات نیمه‌اساسی، رفع نارسایی‌های فنی، افزایش قابلیت‌اطمینان تجهیزات و کسب آمادگی حداکثری برای تولید پایدار برق در یک‌پاکر تابستان سال آینده، از مدار تولید خارج و فعالیت‌های تعمیراتی آن آغاز شد. به گزارش روابط‌عمومی شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی، واحد شماره چهار بخاری این شرکت به‌منظور انجام تعمیرات نیمه‌اساسی و در راستای اجرای دقیق برنامه زمان‌بندی تعمیرات واحدهای سیزده‌گانه، باهدف کسب آمادگی حداکثری برای تولید پایدار انرژی الکتریکی در یک‌پاکر تابستان سال آینده، از شبکه سراسری تولید برق خارج شد. حسن آزادمند معاون تعمیرات نیروگاه بخار شهید رجایی، با اشاره به اهمیت اجرای به‌موقع برنامه‌های تعمیراتی اظهار داشت: واحدهای نیروگاهی بر اساس میزان ساعت کارکرد، شرایط بهره‌برداری و نتایج بازدیدها و بررسی‌های فنی، مطابق با برنامه زمان‌بندی مصوب تحت تعمیرات اساسی، نیمه‌اساسی و بازدیدهای دورهای قرار می‌گیرند تا ضمن رفع نارسایی‌های احتمالی، قابلیت اطمینان و آمادگی تجهیزات برای تولید برق پایدار افزایش یابد. وی افزود: واحد شماره چهار بخاری این نیروگاه با ظرفیت نامی ۱۵۰ مگاوات، در چارچوب برنامه تعمیراتی پیش‌بینی‌شده و پس از خروج از مدار تولید، وارد مرحله تعمیرات نیمه‌اساسی شده است و متخصصان و

و در برخی موارد، با توجه به نوع پارامتر جمعیت و حساسیت منطقه، هر شش ماه یک‌بار صورت می‌گیرد. در صورت مشاهده مغایرت با استانداردهای موجود، اقدامات اصلاحی لازم در کوتاه‌ترین زمان در دستور کار قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمایش‌های میکروبی آزمایشگاه آب مرکز بهداشت شهرستان پاوه، شاخص‌های بررسی‌شده در نمونه آب در محدوده قابل‌قبول قرار داشته است. همچنین بررسی‌های فیزیکی و شیمیایی، مواد شیمیایی معدنی سمی و غیرسمی، مواد آلی و فلزات سنگین در آزمایشگاه آب رفرنس معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، از نبود آلودگی شیمیایی قابل‌توجه در نمونه آب شبکه حکایت داشته است. برای بررسی دقیق‌تر پاتوژن‌های شاخص، نمونه‌هایی از سه نقطه، شامل مخزن ذخیره گرماب، نقطه مصرف در شبکه توزیع و جوی آب پایین‌دست شهر، بررسی شد. نتایج شاخص شهری و روستایی شهرستان ماهانه انجام می‌شود. بررسی پارامترهای شیمیایی نیز سالانه

پیام ایران

از شاخص‌ها در نمونه جوی آب پایین‌دست شهر مثبت گزارش شد. شبکه بهداشت و درمان پاوه تأکید کرد نتیجه مثبت مربوط به جوی آب پایین‌دست شهر خارج از شبکه توزیع آب شرب، بوده است و همان شاخص در نمونه‌های مخزن ذخیره گرماب و نقطه مصرف در شبکه توزیع منفی گزارش شده‌است. در پی بروز طغیان و پس از انجام ارزیابی‌های لازم و پیگیری‌های صورت‌گرفته، چاه آب پایین‌دست شهر باینگان به‌عنوان منبع مطمئن تأمین آب جایگزین چشمه گرماب شد. مرکز بهداشت شهرستان پاوه برای اطمینان از سلامت آب این منبع، نمونه‌برداری و آزمایش‌های گسترده‌ای انجام داد که شامل بررسی شاخص‌های میکروبی، فیزیکی، مواد شیمیایی معدنی سمی و غیرسمی، مواد آلی و فلزات سنگین بود. بر اساس نتایج این آزمایش‌ها، شاخص‌های بررسی‌شده در آب چاه پایین‌دست باینگان در محدوده استاندارد قرار داشته و آب این منبع از نظر آزمایشگاهی سالم و قابل شرب ارزیابی شده‌است.

شهردار یاسوج:

افتتاح رسمی بلوار «شهدای اقتدار» یاسوج

ذوالفقاری - طی روزهای آینده آشنا با اشاره به اهمیت راهبردی پروژه «بلوار شهدای اقتدار» گفت: با افتتاح این بلوار ظرف روزهای آینده، شاهد کاهش قابل‌توجه دغدغه‌های ترافیکی شهروندان در محدوده نجف‌آباد و هسته مرکزی شهر خواهیم بود. وی با تأکید بر اینکه نگاه مدیریت شهری یاسوج، نگاهی عدالت‌محور در ارائه خدمات و مبتنی بر رفع کاستی‌های عمرانی است، اظهار داشت: این پروژه به طول کمتر از ۵ کیلومتر، یک طرح در سطح ملی است که اجرای آن نیازمند ریزینی‌های گسترده حقوقی، تأمین اعتبارات مالی و توافق برای تملک اراضی بود؛ بااین‌وجود، با تلاش شبانه‌روزی همکارانم در شهرداری، طی کمتر از پنج ماه کاری بدون احتساب فصل بارش و سرما به سرانجام رسیده این پروژه الحاقات شرقی یاسوج، یعنی سڑوک، اکبرآباد، نجف‌آباد، سراب تاوه و سایر نقاط را پوشش می‌دهد و به تمام اراضی ارزش افزوده می‌آورد. شهردار یاسوج در ادامه به روند پیشرفت پروژه بلوار جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: این معبر بیش از ۵۰ سال در انتظار اجرا بود، اما با رویکرد مدیریت شهری در کمتر از یک سال، مسائل مربوط به تملک آن با حفظ حرمت مالکان و مستأجران رفع و اکنون مراحل زیرسازی، جدول‌گذاری و اجرای فاز میانی آن در حال انجام است. آشنا افزود: این پروژه به طول ۴۰۰ متر و عرض ۲۵ متر (حدود ۹ هزار مترمربع فضای شهری)، پیش از آغاز سال تحصیلی جدید زیر بار ترافیکی خواهد رفت. دسترسی به مجتمع ۸۰۰ واحدی مسکن ملی شهردار یاسوج احداث پل دهنو را در راستای حل مشکل ترافیکی و دسترسی به



نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فرامرز هدهار کارسیدانی اقرار فتنه تیمور بنمنا ره شناسنامه ۶۹۳۸ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌پایخانه به مساحت ۰/۳۹۹/۰۰ مترمربع تحت پلاک ۱۳۸۵ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی	بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت نوروزعلی نوروزی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ نعمت ذوقی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شفت شناسه آگهی ۲۲۸۱۵۱۵

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر کالسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فرامرز هدهار کارسیدانی اقرار فتنه تیمور بنمنا ره شناسنامه ۶۹۳۸ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌پایخانه به مساحت ۰/۳۹۹/۰۰ مترمربع تحت پلاک ۱۳۸۵ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر کالسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فرامرز هدهار کارسیدانی اقرار فتنه تیمور بنمنا ره شناسنامه ۶۹۳۸ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌پایخانه به مساحت ۰/۳۹۹/۰۰ مترمربع تحت پلاک ۱۳۸۵ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ سقا قاسمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس‌آباد شناسه آگهی: ۲۲۸۱۹۹۵۰	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ سجادپور حیدر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نقده شناسه آگهی: ۲۲۸۸۸۲۰۰

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم شراره قریز شعیبان بشماره شناسنامه ۶۹۶۱ صادره از تهران در شش‌دانگ یکقطعه زمین مشتمل بر یک‌پای انباری به مساحت ۰/۱۵۰ مترمربع پلاک ۹۷۵ فرعی از ۲۰ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹ فرعی از ۱۰ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم شراره قریز شعیبان بشماره شناسنامه ۶۹۶۱ صادره از تهران در شش‌دانگ یکقطعه زمین مشتمل بر یک‌پای انباری به مساحت ۰/۱۵۰ مترمربع پلاک ۹۷۵ فرعی از ۲۰ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹ فرعی از ۱۰ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شفت شناسه آگهی: ۲۲۸۲۰۰۴۰ الف: ۱۰۷۱	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شفت شناسه آگهی: ۲۲۸۲۰۰۴۰ الف: ۱۰۷۱

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم حجت راد فرزند محمد بشماره شناسنامه ۶۱۵۶ صادره از تهران در یک شش‌دانگ یکقطعه زمین مشتمل بر اعیان احداثی به مساحت ۲۸/۳۸ مترمربع پلاک ۳۳۵ فرعی از ۱۲۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۱ فرعی از ۱۲۱ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه شفت خریداری از مالک رسمی آقای نقی وحسن ذریعان محرز گردیده است.	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم حجت راد فرزند محمد بشماره شناسنامه ۶۱۵۶ صادره از تهران در یک شش‌دانگ یکقطعه زمین مشتمل بر اعیان احداثی به مساحت ۲۸/۳۸ مترمربع پلاک ۳۳۵ فرعی از ۱۲۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۱ فرعی از ۱۲۱ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه شفت خریداری از مالک رسمی آقای نقی وحسن ذریعان محرز گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شفت شناسه آگهی: ۲۲۸۱۹۸۶۰ الف: ۱۰۶۹	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شفت شناسه آگهی: ۲۲۸۱۹۸۶۰ الف: ۱۰۶۹

خبر |

اتاق اصناف اصفهان عزم جدی برای رفع موانع کسب‌وکار

بهمن توکلی فرد - رئیس اتاق اصناف مرکز استان اصفهان، بر پیگیری مطالبات قانونی اصناف و رفع موانع پیش‌روی کسب‌وکارها تأکید کرد.

عباس سلطانی با اشاره به جایگاه حیاتی بازار در اقتصاد کشور اظهار داشت: اصناف همواره بازاری توانمند اقتصادی کشور شناخته می‌شوند و اتاق اصناف خود را موظف به رازیی با دستگاه‌های اجرایی برای تسهیل فعالیت کسبه و کاهش فشارهای اداری و مالیاتی می‌داند.

وی ضمن دعوت از فعالان صنفی برای رعایت دقیق قوانین و ضوابط نظام صنفی، خاطرنشان کرد: برنامه‌ریزی برای بهبود فضای کسب‌وکار و برگزاری دوره‌های آموزشی جهت ارتقای بهره‌وری واحدهای صنفی، از اولویت‌های راهبردی هفته‌های پیشرو است.

رئیس اتاق اصناف اصفهان در پایان با قدردانی از صبر و تلاش کسبه و بازاریان استان، افزود: درب اتاق اصناف همواره به روی صاحبان مشاغل باز است و پذیری پیشنهادها و انتقادات سازنده آنان برای بهبود وضعیت بازار هستیم.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی:

قرار همدلی مردم و صنعت برق برای زمستان هم برقرار است

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی با قدردانی از همراهی مردم در روزهای اوج مصرف برق گفت: تابستان را با همدلی پشت سر گذاشتیم، اما این همراهی یک پوشش مقطعی نبود؛ «قرار همدلی» مردم و صنعت برق ادامه دارد و قرارمان برای زمستان هم برقرار است. علیرضا خداینده اظهار کرد: همراهی مشترکان خانگی، بخش‌های تولیدی، کشاورزی، اداری و تجاری در کنار تلاش شبانه‌روزی کارکنان صنعت برق، نقش مؤثری در مدیریت شبکه و حفظ پایداری تأمین برق داشت.

وی افزود: «آنچه در تابستان اتفاق افتاد، فقط مشارکت در یک برنامه کاهش مصرف نبود؛ بلکه جلوه‌ای از همدلی و مسئولیت اجتماعی مردم بود. این همراهی امروز به سرمایه‌ای ارزشمند برای صنعت برق تبدیل شده و باید آن را برای فصل پیش‌رو حفظ کنیم.»

خداینده گفت: «تابستان یک قرار نانوشته میان ما و مردم شکل گرفت؛ قرار بر اینکه هرکدام به سهم خود برای پایداری شبکه انرژی همراه باشیم. تابستان تمام شده است، اما قرار ما تمام نشده؛ قرارمان برقرار است.» وی تصریح کرد: در فصل سرد نیز مدیریت هوشمندانه مصرف انرژی می‌تواند به پایداری شبکه برق و گاز کشور کمک کند. استفاده بهینه از وسایل گرمایشی، جلوگیری از اتلاف انرژی و مدیریت هزمانا مصرف برق و گاز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

خداینده تأکید کرد: «همان‌طور که در تابستان کنار هم بودیم، برای گذر از زمستان هم کنار هم می‌ناییم. این همان قرار همدلی است که می‌تواند از یک رفتار مقطعی به یک فرهنگ پایدار در مصرف انرژی تبدیل شود.» وی خاطرنشان کرد: «این یک تعهد دوطرفه است. مردم با مصرف مسئولانه در کنار صنعت برق هستند و ما نیز وظیفه داریم با توسعه و هوشمندسازی شبکه، اجرای برنامه‌های فنی و عملیاتی و افزایش قابلیت اطمینان شبکه، برای ارائه خدمات پایدارتر تلاش کنیم.»

نوبت دوم	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجانغربی آگهی ماده ۳ و ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۴۴۱۷ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی نقده تصرفات مالکانه و بلامعارض/متقاضی: ۱- به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ سجادپور حیدر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نقده شناسه آگهی: ۲۲۸۸۸۲۰۰	نوبت اول سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر کالسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم ۱۴۰۵/۵۷/۲۱ - ۱۴۰۵/۶۳/۱۸۰۱۰۰۵۷۲۲ قانون و ماده ۱۳۰ هیات اول / دوم فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فرامرز هدهار کارسیدانی اقرار فتنه تیمور بنمنا ره شناسنامه ۶۹۳۸ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌پایخانه به مساحت ۰/۳۹۹/۰۰ مترمربع تحت پلاک ۱۳۸۵ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱ گیلان واقع در قریه دیولیان شفت خریداری از مالک رسمی

